

دکتر سید احمد واعظی

سید کمال واعظی

دیدگاه حضرت امام خمینی^(ره)

در ارتباط با مسائل تربیتی نسل جوان

مقدمه

مسائل تربیتی نسل جوان یکی از مواردی است که در تمامی جوامع ذهن اندیشمندان و صاحب نظران را به خود جلب کرده است. اهمیت این موضوع آنگاه بیشتر ملموس خواهد بود که در نظر داشته باشیم تربیت صحیح نسل جوان در واقع سرمایه گذاری مطمئنی است که جامعه در راستای تعالی خود در آینده نه چندان دور، به آن مبادرت می ورزد.

در جامعه اسلامی ما که توجه به تعلیم و تربیت اسلامی یک اصل خدشه ناپذیر محسوب می شود، لازم است که همواره الگوهای صحیح تربیت اسلامی در راستای یک ساختار علمی - کاربردی به جامعه اسلامی ارائه گردد تا اینکه علاوه بر بهره مندی از یک پشتوانه علمی، ضمانت اجرایی نیز داشته باشد.

بدون شک، حضرت امام خود به عنوان یک معلم بزرگ و آشنا به تعالیم اسلامی و با توجه به عنایتی که به نسل جوان داشتند، همواره در سخنان خود و در موقعیتهای مختلف سعی می نمودند به زبانی ساده اصول تربیتی اسلام را گاه به صورت کلی و گاه به صورت موضوعی بیان دارند تا مسؤولان و اولیای امور بتوانند در فعالیتهای خود از این تعالیم استفاده کنند.

این مقاله تلاشی است هر چند مختصر در راستای بیان نکاتی از این منبع عظیم تعلیم و تربیت اسلامی و به این امید که تلاش و تحقیق صاحب نظران دلسوز، هر چه بهتر و بیشتر جنبه های مختلف نظرگاههای امام را حل را فروری مسؤولان محترم برنامه ریزی و اجرایی جمهوری اسلامی قرار دهد.



* اصول تربیت اسلامی و بیان نکات اساسی در تعلیم و تربیت اسلامی *

حضرت امام خمینی در نگرش کلی خود به مسائل تعلیم و تربیت، به بیان یک نمای کلی از اصول تعلیم و تربیت اسلامی پرداخته، با بیان ساختارهای کلی تربیت از دیدگاه اسلام، زمینه ای را فراهم کرده اند تا افراد بتوانند ضمن دستیابی به منابع اصیل تربیت اسلامی با توجه به موقعیتهای مختلف اجتماعی و فرهنگی برداشتی صحیح از این اصول داشته باشند.

در این راستا در بررسی آثار و سخنرانیهای حضرت امام، مسائل زیر در ارتباط با اصول تربیت اسلامی باید مورد توجه کارگزاران قرار گیرد:

الف - هدف تربیت اسلامی :

حضرت امام در موقعیتهای مختلف بر این امر تأکید ورزیده اند که هدف از تربیت اسلامی آن است که شخص به مقام عبودیت الهی برسد و با سیرالی الله، خود را هرچه بیشتر به منبع فیض ازلی نزدیک کند. حضرت امام اعتقاد داشتند هر تربیتی که عاری از اسم خدا باشد، حتی اگر از لحاظ اصول تربیت کلاسیک در حد بسیار بالایی باشد، از نظرگاه اسلام قابل قبول نیست.

حضرت امام در یکی از سخنرانیهای خود به این نکته، این طور اشاره می -
فرمایند:

"شما اگر بتوانید این بچه ها را تربیت کنید، به طوری که از اول باریابند به اینکه خدا خواه باشند، توجه به خدا داشته باشند، شما اگر عبودیت الله را و پیوند با خدا را به این بچه ها تزریق کنید، این بچه ها زود قبول می کنند امر را. اگر عبودیت خدا را به اینها و تربیت الهی را و آن که هر چه هست از اوست، به اینها القاء کنید و آنها بپذیرند، خدمت کردید به این جامعه، بعدها دسترنج های شما ارزشمند خواهد شد و اگر خدای نخواسته بر خلاف این باشد، خیانت کرده است و این غیر از همه خیانتهاست. خیانت به انسان است، خیانت به عبودیت و به الله است."

سخنرانی در جمع اعضای انجمنهای اسلامی
وزارت دفاع، ۵۹/۱۲/۷

در ادامه حضرت امام با بیان اینکه فطرت و سرشت طبیعی انسان به دنبال حق و خدا پرستی است، تربیتی را کارآمد می دانند که با توجه به فطرت انجام گرفته باشد:

"از اول بنا بوده است که یک اخلاق صحیح انسانی که برای انسان صالح است آن را تربیت کنند به آن اخلاق و تربیت کنند به آن عقاید و تمام اعمالی که دستور داده اند، همه اش برای این است که این را تربیت کنند که به آن مقصدی که بر حسب فطرت دارد:
"فَطَرَتِ اللّٰهُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا". این فطرت توحید است، فطرت خداجویی است، در همه هست."

سخنرانی در جمع فرماندهان سپاه
پاسداران سراسر کشور، ۵۹/۹/۲۲

ب - تربیت دینی :

حضرت امام آن تربیتی را تربیت صحیح و کارساز می داند که منطبق بر اصول تربیت اسلامی و نشأت گرفته از تعالیم عالیه اسلامی باشد. ایشان همواره تأکید می ورزیدند که تنها تربیت دینی می تواند افراد را به راه راست هدایت کند. ایشان می فرمایند:

” همه می دانیم که اساس تربیتهای دینی توجه دادن توده است به فضایل روحی و معنویات و توسعه دادن نظرهای محدود مردم است از این چهار دیوار کوچک جهان مادی به یک فضای غیر متناهی ، جهان نورانی غیبی و اساس تربیتهای مادی امروزی، زینت دادن همین زندگی مادی طبیعی است و منحصر کردن زندگانی است به همین زندگی جهان ظاهری ”

کتاب کشف الاسرار، صفحه ۲۸۷

ج - تناسب فرهنگ جامعه :

حضرت امام تربیت اسلامی را آنگاه کارساز و کار آمد می دانستند که در فضایی صورت گیرد که از لحاظ فرهنگی متناسب با تعالیم اسلامی باشد، لذا می فرمایند:

” قضیه تربیت یک ملت به این است که فرهنگ آن ملت ، فرهنگ صحیح باشد. شما کوشش کنید که فرهنگ را ، فرهنگ مستقل اسلامی درست کنید.”

سخنرانی در جمع روحانیان و طلاب حوزه

علمیه قم ، ۵۸/۴/۷

د - تأکید بر جنبه های عملی تربیت

یکی دیگر از نکاتی که امام به آن اشاره دارند، اجرا شدن تربیت در سطح کل

جامعه و به توسط همه اقشار است .

" ما باید همه قشرها را تربیت کنیم ، شما ها باید درمجلس می روید، علاوه بر اینکه مسائلی که مطرح می شود مورد احتیاج ملت است ، باید آنها را در آن طرح کنید و با سلاح اخلاق اسلامی وارد بشوید و با آن سلاح مردم را تربیت کنید که وقتی چند سال از مجلس گذشت در مردم آثار گفت و گوهای شما و مناظرات شما پیدا باشد ... باید شما دیگران را تربیت کنید. همه اشخاصی که در هر مرکزی هستند ، باید آن مرکز را به صورت یک تعلیم گاه در بیاورند ، همان طوری که در صدر اسلام آنکه رئیس دولت بود و آنکه سردار بود، سردار لشکر بود، با اعمال خودشان مردم را تربیت می کردند ، با حرفهای خودشان ، با کردار خودشان مردم را تربیت می کردند. باید ما که دعوی این را داریم که مسلمان هستیم و تابع اولیای اسلام هستیم ، باید ما هم با کردار و رفتار خودمان مردم را تربیت کنیم."

سخنرانی در جمع دانشجویان دانشکده

افسری ، ۱۵/۳/۵۹



مقدم بودن تزکیه بر تعلیم

حضرت امام خمینی همواره در سخنان خود هنگامی که به مسائل تعلیم و تربیت اشاره می فرمودند بر یک شرط اساسی به عنوان لازمه تعلیم و تربیت اسلامی تأکید می کردند. ایشان عقیده داشتند در آموزش نسل جوان در زمینه های مختلف علوم، اولین مسأله ای که باید مورد توجه اولیای آموزشی باشد، این است که سعی کنند در ابتدا روح جوانان را از هرگونه پیرایه دور کنند و آنها را به تهذیب نفس علاقه مند سازند.

حضرت امام در مورد تزکیه و تعلیم و تربیت با بیان اینکه تعلیم و تربیت یک موهبت الهی است ، این طور می فرمایند:

"خدای تبارک و تعالی در مورد تزکیه و تعلیم و تربیت ، آموزش و

پرورش، با تعبیر منت گذاشتن بر مردم، می فرماید: منت گذاشت و پیغمبر را برای آموزش و پرورش فرستاده و پرورش را قبل از آموزش ذکر می فرماید، و یزکیهم... اول تزکیه است. (آیه ۱۶۴، سوره آل عمران)

حضرت امام سپس در بیان اینکه تزکیه مقدم بر امری حتی آموزش و پرورش است، بیان می دارند:

"تزکیه قبل از تعلیم و تعلم است (یزکیهم). پیغمبر آمده است اینها را تزکیه بکند، پرورش بدهد، نفوس را مهیا کند و بعد (یعلمهم الكتاب و الحکمه)، بعد تعلیم کتاب و حکمت بکند که اگر کتاب و حکمت با پرورش توأم نباشد و با تزکیه توأم نباشد، موجودی که از آن بیرون می آید همین موجوداتی باشد که در مجلس سنا و در مجلس شورای قبل از انقلاب بود."

سخنرانی در جمع نخست وزیر و نمایندگان

مجلس، ۵۹/۸/۶

نقش والدین و خانواده در آماده سازی زمینه تربیت اسلامی نوجوانان

"امروز باید پدران و مادران مواظب رفتار فرزندان خویش باشند که در صورت مشاهده حرکات غیر عادی آنان را نصیحت نمایند تا گول منافقین و منحرفین را نخورند که در این صورت سعادت دنیوی و اخروی آنان تباہ می گردد. مادران و پدران باید توجه داشته باشند که سنین دانش آموزی و دانشگاهی سالهای شور و هیجان فرزندان شان می باشد و با اندک شعاری جذب گروهها و منحرفین می شوند و نیز جوانان دبیرستانی با هوشیاری کامل توجه داشته باشند که عمال اجنبی آنان راحتی با اسم اسلام را ستین به دام شرق و غرب نیندازند."

پیام به مناسبت آغاز سال تحصیلی،

حجاب



حجت الاسلام و المسلمین
محمد باقر شریعتی

نگاه به زن اجنبی جایز است به استثنای عورت، سپس توضیح می دهد که مقصود از ماسوای عورت از نظر شیعه، مالکی ها و شافعی ها "وجه و کفین" است و ابوحنیفه پاها را اضافه کرده است.

سپس می فرماید: دلیل ما اجماع شیعه و روایاتی است که از اهل بیت عصمت و طهارت رسیده است و قرآن هم می فرماید: "نباید زنها زینتهای خود را نمایان سازند، مگر زینتهایی که به گونه ای طبیعی و معمولی آشکار می باشد."

زینتهای نهان و آشکار

برای تعیین حجاب اسلامی لازم است مواضع زینتهای نهان و آشکار بیشتر روشن شود. در مورد زینتهای آشکار مطالبی نگاشته شده که مقصود "وجه و کفین و پاهاتا می باشد." می باشد.
شیخ طوسی در کتاب طلاق از ابوحنیفه، مالک و شافعی بازگو می کند که:

شیخ طوسی اعلی الله مقامه می فرماید: مرد اجنبی نباید به زن نامحرم بدون علت نگاه کند، زیرا نگاه کردن به مواضع حرام جایز نیست و به مواضع غیر حرام که وجه و کفین باشد مکروه است و این دو حکم از "آیه: قل للمؤمنین یغضوا من ابصارهم" بر می آید. سپس به نقل تاریخی می پردازد که بدین قرار است: "بانویی موسوم به "ختعمیه" در آخرین حجی که پیامبر مشرف شده بود، به محضر رسول اکرم (ص) شرفیاب شد تا مسائلی را در مورد حج بپرسد؛ فضل بن عباس نیز در کنار پیامبر نشست بود. ختعمیه زن زیبایی بود و به مجرد اینکه مسائلیش را مطرح کرد فضل شروع به نگرستن به او کرد؛ آن زن نیز متقابلاً به فضل نگاه می کرد. رسول اسلام صورت فضل را از نگاه کردن بازداشت و فرمود: از نگاه متقابل زن و مرد جوان ترسیدم از اینکه شیطان وارد عمل شود.^۲

برداشت انحرافی

بعضی در تفسیر آیه "الا ماظهر منها" راه افراط را گرفته اند. آنان می گویند زنها در عصر جاهلیت موهای جلو سر و گریبانها را نمی پوشانیدند و از آیه چنین برمی آید که نگاه به کلیه مواضعی که زنها در جاهلیت اولی مستور نمی کردند مانعی ندارد. مطابق این تفسیر مسأله در وجه، کفین و پاها

اکثریت مفسران اسلامی جمله: "الا ماظهر منها" را به وجه و کفین تفسیر نموده اند! البته گفته مفسران نشأت گرفته از اخبار معصومین علیهم السلام است که ماقبل از اینکه به آرای فقهای بزرگ پردازیم دونه نمونه از آنها را ذکر می کنیم:

نمونه یکم: ابوبصیر می گوید از امام صادق علیه السلام از تفسیر آیه "الا ماظهر منها" پرسیدم، فرمود: الخاتم والمسکه و هی القلب یعنی انگشتر و دست بند.

بدیهی است وقتی انگشتر و دست بند اظهارش جایز باشد، خود دست به طریق اولی آشکار بودنش حرمتی نخواهد داشت. از قرائن معلوم می شود سؤال ابو بصیر مربوط به زینتهای مصنوعی بوده، نه طبیعی. نمونه دوم: در حدیث است که از امام صادق سؤال می شود برای مرد نامحرم نگاه کردن به کدام قسمت از بدن زن جایز است؟ فرمود: چهره و دودست و دویا."

از این حدیث و نظایر آن بخوبی حکم جواز نظر بوجه، کفین و قدمین استفاده می شود و اشکال اساسی هم روی جواز نظر است نه عدم لزوم پوشیدن؛ چه، اگر نگاه حرام نباشد بطور قطع پوشیدن این مواضع واجب نخواهد بود.

بعضی از فقهای عالیقدر نگاه به دستها و صورت زن را بدون جهت مکروه می دانند و معتقدند گناهی ندارد، ولی بدون علت و جهت عمل معقولی نیست.

می کند خانمها قسمتی از بدن را مستور و بخشی از آن را نمایان می سازند و هر چه تکنولوژی پیشرفت می کند برهنگی بیشتر می شود. بعضی از مفسرین نیز راه تفریط را پیش گرفته اند و گفته اند مقصود از "الا مظهر منها" همان لباسی است که خانمها به عنوان پوشش می پوشند. با این حساب اگر این استثناء در آیه نبود باید کلیه خانمها در خانه زندانی می شدند، زیرا اگر خروارها لباس هم می پوشیدند، باز ثمری نداشت. و شاید مطابق این تفسیر است که بعضی از فرق اهل سنت زن را از شرکت در نماز جمعه و جماعت وحج و زیارت محروم کرده اند. این نوع افراط و تفریطهاست که سیمای اسلام ناب محمدی را در حجاب جهل و تعصب پوشانیده و عده کثیری از بانوان را بد بین ویا متحیر ساخته است.

ای کاش روزی برسد که مطابق موازین ادبی و روایات معقول، این گونه مسائل مبتلابه مورد بررسی قرار گیرد تا ذهنیتها، عوام زدگیها و تقلیدها در تبیین این سنخ مسائل سهیم و دخیل نباشد.

"ولا یضربن بارجلهن لیعلم ما یخفین من زینتهن"، یعنی زنان نباید پاهای خود را آنچنان بر زمین بکوبند که نامحرمان به وجود زینتهای آنان آگاهی پیدا کنند. زنان عرب بطور معمول خلخال در پا داشتند و بعضی از آنها برای خود نمایی پاها را محکم به زمین می زدند تا دیگران آگاهی پیدا کنند. آیه از این

خلاصه نمی شود، بلکه شامل موهای جلو سر و گردن و بناگوش هم می شود، و اگر هدف از "ماظهر منها" زینتهای آشکار در هر محیط اجتماعی باشد بی شک وضع گسترده تری پیدا خواهد کرد. در این صورت باید دید زندهای مسلمان در کدام کشور زندگی می کنند و در آنجا چه نوع زینتهایی را نمایان می سازند و چه موضعی را پنهان می کنند.

پاسخ این برداشت ناروا در خود آیه مسطور است، زیرا در ادامه آیه ۳۱ در سوره نور قبل از مشخص کردن محارم می فرماید: ولیضربن بخرهن علی جیوبهن، خانمها باید روسریهای خود را برگریبانها ببفکنند تا سر، گردن، گوش و سینه ها در پرده استتار قرار گیرد. البته غرض اصلی پوشانیدن این مراکز است و روسری مشخصی مطرح نیست، همچنانکه چادر هم در اسلام یکی از مصادیق کامل حجاب زن است، ولی موضوعیتی ندارد، هر زنی می تواند از غیر چادر استفاده کند و در عین حال با حجاب باشد.

وانگهی الا ما ظهر منها موضعی را می گوید که پوشش آن برای خانمها بسیار سخت است و باعث عسر و حرج می شود، چرا که با دست و صورت پوشیده براحتی نمی شود کارهای بیرون را انجام داد وگرنه اگر مقصود از "ماظهر منها" زینتهای آشکار در هر عصر و زمان و محیط و جامعه باشد، دیگر حجاب مفهومی ندارد؛ زیرا بطور طبیعی در تمام دنیا متناسب با فرهنگ که بر آن محیط حکومت

زیبا و نظیف استفاده کنید و خود را پاک و تمیز سازید.

از امام صادق علیه السلام نیز بازگو شده: "ان الله جمیل و یحب الجمال و التجمال" خداوند جمال مطلق است و زیبایی و تجمل را دوست می دارد.

آرایش زن برای شوهر از مستحبات مؤکد است. شیخ طوسی می فرماید: دوری زن از تجمل و آرایش مکروه است. در تفسیر آیه: لا تحرموا ما احل الله لکم "آمده است که این آیه در شأن حضرت علی علیه السلام، بلال و عثمان بن مظعون نازل شد، زیرا این سه تن برای سه هدف سوگند خوردند. حضرت علی فرمود: من هرگز شبها نخوابم. بلال سوگند خورد که روزها روزه بدارد و عثمان قسم خورد که هرگز همخوابگی نکند. همسر عثمان که زن خوش منظری بود بر عایشه وارد شد. عایشه از او پرسید چرا این گونه خودت را رها کرده ای؟ گفت: برای چه کسی آرایش کنم. به خدا قسم شوهرم مدتی است که با من نزدیکی نکرده و رهبانیت را انتخاب نموده است. هنگامی که پیامبر را داخل خانه شد، عایشه از این ماجرا پیامبر را با خبر ساخت.

رسول اکرم دستور داد فریاد بزنند: الصلوة جامعه و با این شعار مردم را در مسجد جمع کرد. پیامبر بر فراز منبر رفت و فرمود: "چرا گروهی طیبات را بر خود حرام می کنند؟ من بقیه در صفحه ۶۵

عمل نهی می کند. از این نهی صریح روشن می شود که بهتر است بانوان برای جلب توجه مردها آرایشهای فوق العاده و عطریات تند و تیز به کار نبرند، مگر این که قصدشان فتنه گری نباشد که در این صورت از آرایشهای طبیعی و ساده استفاده کرده، از افراط در آرایش خود داری خواهند کرد. در پایان می فرماید:

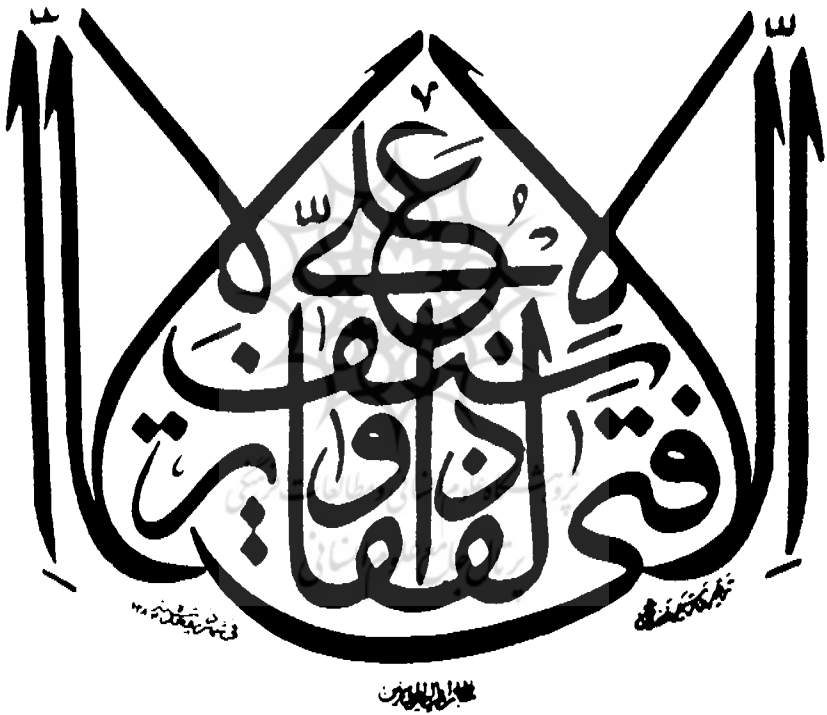
"و توبوا الی الله جمیعا ایها المؤمنون لعلکم تفلحون". ای مؤمنانی که به خاطر انگیزه های شیطانی و تمایلات مهار نشده گرفتار چشم چرانی شده اید، ای بانوانی که به خاطر خود نمایی و آرمانهای خیالی، خود را به هفت قلم آراسته و در معرض چشمان آلوده قرار داده اید، همگی توبه کنید تا به فلاح و رستگاری دست یابید؛ و بدانید هرگز از طریق گناه و آلودگی انسان به آرمانهای معقول و مشروع نخواهد رسید. گیرم جلب نظر کردید و به عفت اجتماع ضربه وارد شد آیا جز وبال گناه ثمر دیگری خواهد داشت؟ ولی توبه راستین می تواند گناهان گذشته را محو نماید و به انسان تواب شخصیت و حیات مجددی عنایت کند.

زینتهای مصنوعی

بطور کلی آرایش و اتخاذ زینت از مستحبات اسلامی است: "خذا و زینتکم عندکل مسجد" یعنی هنگام نماز از لباسهای

علی علیه السلام غمض را ست سناهی تفکر و اندیشه

بهمن مرادی



علی ، ابر مردی که خویشتن ساقی خرابات کوثر عرفان و هدایت است
و مغبجگان طریقتش گنج عالم را خاک بر سر کرده و بندگی بارگاهش را
بر پادشاهی عالم ترجیح می دهند .

الحسنه "فصلی فرامی گرفت.

به هنگام بعثت ، نخستین مردان بود در شهادت به رسالت "موعود مسیح "ودر"یوم الانذار" اولین بود در اعلام وفاداری و پایبندی که به خلعت وصی و جانشینی آراسته گردید.

در "لیلة المبيت "جان خویش را بلاگردان جان دلدار قرار داد . در "بدر" طومار عمر خدایان زر و زور و تزویر را درهم پیچید ویکه و تنها سی و شش تن از مشرکان را به گرداب فلاکت و هلاکت افکند. او به تنهایی یک سپاه بود.

در "احد"، در دفاع از پیامبر به حدی شمشیر زد که از شهادت علی آوای جبرئیل در مهبط تنزیل طنین انداز شد که : **لَأُقْتَلِيَ الْأَعْلَى لَا سَيْفَ إِلَّا ذُو الْفَقَارِ** .

آن دم که تمامی احزاب کفر والحاد گرد آمده بودند تا به حیات اسلام نوپا در جزیره العرب خاتمه بخشند، و نعره عمرو قهرمان نامی عرب سکوتی مرگبار بر سپاه اسلام حاکم ساخته بود، علی شمشیر از قراب کشیده، آهنگ میدان نمود که پیامبر در عظمت مبارزه اش فرمود:

"بَرَزَ الْإِيمَانَ كُلُّهُ عَلَى السَّرَكِ كُلُّهُ" ، و عمق و اهمیت رویارویی تا بدانجا بود که رسول حق دست نیایش به درگاه معبود برداشته ، ندای **"رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ"** را سر می دهد . در نبردی سهمگین تکبیر گوینان سردار عرب را نگون ساخت و ارزش ضربت

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي كُلُّ عَزِيزٍ غَيْرُهُ ذَلِيلٌ، كُلُّ قَوِيٍّ غَيْرُهُ ضَعِيفٌ، كُلُّ غَنِيٍّ غَيْرُهُ فَقِيرٌ وَكُلُّ مَالِكٍ غَيْرُهُ مَمْلُوكٌ

زبانها و قلمها عاجز و قاصر است از بیان و تحریر در باره ابعاد شخصیت علی (ع) بزرگ. صورتگران در مانده از ترسیم گوشه‌ای از سیمای الهی اش ، شعرا ناتوان از سرودن در باره عدالتش ، نویسندگان معترف به عجز خویش از نوشتن در مورد عظمت وجودش و خطبا خستو از بیان اندکی از کمالات بزرگمردی که مستجمع جمیع کمالات است به صورت وحدت جمعیه .

چهارده قرن پیش ، آن هنگام که ده سال به رسالت پیامبر(ص) مانده بود، فاطمه بنت اسد در غروبی امید بخش کنار کعبه ستاده و بسا معبود به راز و نیاز مشغول بود که یکباره کعبه را شکافی افتاد و هاتفی ندا سرداد : "داخل شودر خانه حق "

بدینسان در حریم الهی پسری متولد شد که از مسیح مریم برتر آمد، چرا که مریم را اجازه زاییدن در خانه حق نبود. نامش را "علی" مشتق از "اعلی" از "اسماء حسنی" نهادند. رادمردی که می رفت تا در آتی ، تاریخ بشریت را ورق بزند و زرین ترین سطرهای ایثار را بر آن بنگارد.

در گهواره بود که ازدها را درهم درید و لقب "حسیدر" یافت. به سالهای عسرت ابوطالب در فلسفه‌ای پنهان تحت تعلیم "احسن تا" دیب "قرار گرفت و هر روز در خانه "رحمت للعالمین" از "خلق عظیم" اسوه

علی، عنصر لایتناهی تفکر و اندیشه، حقیقتی انکار ناپذیر برگونه افسانه ها و اساطیر تاریخ، مظهر ایمان مجسم، تجلی انوار حق تعالی، آینهٔ قد نماي صفات الهی، عادلترین قاضی، عالیترین حقوقدان، حد اعلاي شجاعت، شهامت، رستگاری، تقوا، ایمان، ایثار، مقاومت، صداقت، قدرت، رأفت، ظلم ستیزی، فداکاری و پهلوانی.

گرد شمع جانبخشش می گشت و بی مهیا بد صف دشمنان می زد و در بیست و شش یا بیست هفت غزوه بجز "تبوک" که آن هم به امر پیامبر به خاطر خطر منافقین در مدینه ماندگار شد، شرکت داشت.

لفظ "علی" واژه‌ای بود که مشرکان راحتی از تلفظش رعشه بر اندام می افتاد. آن دم که سپاه اسلام عزم فتح بیت الله الحرام کرد، علی بود که پای بر دوش پیامبر نهاده، بتها را در هم شکست و کعبه را از وجود غیر خدا میرا ساخت.

در حفاظت از جان پیامبر آیهٔ کریمه "وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُوفٌ بِالْعِبَادِ" در شانش نازل گشت و چون انگشتر خویش را در حالت رکوع به مستمندان بخشید "الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ".

علی روح حضرت ختمی مرتبت بود در اندامی دیگر که "أَنَا وَعَلِيٌّ نُورٌ وَاحِدٌ".

علی حق بود و صراط علی محک تشخیص حق از باطل که: "عَلِيٌّ حَقٌّ وَالْحَقُّ مَعَ الْعَلِيِّ". وارسته انسانی که هر لحظه حیات مقدسش قرین مرگ بود و فراغش معرکه نبرد حیات را در

افضل از عبادت جن و انس تا قیامت آمد که: صَرْبَةُ عَلِيٍّ مِنْ يَوْمِ الْخَنْدَقِ أَفْضَلُ مِنْ عِبَادَةِ ثَمَلَيْنِ". در خیبر، زمانی که یهود در دژ پولادین خویش ماء من گرفته بودند علی را دیده‌ای سرمد بود که با دعای "شافع یوم الحساب" التیام یافته و با قلبی مطمئن از "إِنْ تَضُرُّكُمْ وَيَتَيْتْ أَفْدَامَكُمْ" درب قلعه را سپر خویش و پل عبور قرار می دهد و مست و مخمور از بادهٔ حق "مرحب" را در خون خویش می - غلتاند. راستی چگونه می توان گلوآژهٔ مستی را در بارهٔ ابر مردی عنوان کرد که خویشتن ساقی خرابات کوثر عرفان و هدایت است و مغبجان طریقتش گنج عالم را خاک بر سر کرده و بندگی بارگاهش را بر پادشاهی عالم ترجیح می دهند؟!

در عنفوان جوانی سَيِّدَةَ النَّسَاءِ الْعَالَمِينَ را یار خود گزید که اگر او خلق نمی شد بی شک در همةٔ دهر همتایی از برایش یافت نمی گشت و بدینسان در "خلافت" و "اخوت" و "صداقت" و "وزارت" به استثناء "رسالت" از حدیث "منزلت" نسبت به پیامبر خاتم (ص) به منزلهٔ هارون بود از برای موسی.

در تمام دوران حیات پیامبر پروانه وش

هرزمان دیگر پاکتر و روحها از سعی "صفا و مروه" از هر وقت دیگر روحانی تر بود، فرشته وحی پیامبر (ص) را فرمود تا امر فرماید جهاز اشتران برهم نهند و به یک صد و بیست هزار

علی

سفید و سیاه اعلام فرماید که: "مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ". و با اعلام امامت و خلافتش آیه کریمه: "الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ اَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيتُ لَكُمْ الْاِسْلَامَ دِينًا" نازل گشت و اهمیت انتصاب تا بدان مرتبه بود که من قبل از "يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ" تاکید شده بود که در صورت عدم اعلام خلافت علی (ع) "فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ" و مشرکان را به گونه‌ای ناخوش آمد که از شر آنان "وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ" در حق پیامبر فرود آمد و با "الْيَوْمَ يَتَسَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَحْزَنُوا لَهُمْ" از ناامیدی کفار با خلافت امام بحق یادگردید و بدینسان غدیر خم آن برکة گمنام برای همیشه جاودانه تاریخ شد.

مرگی می جست که ایمان غلبه کند و مرگ را در حیاتی می دانست که مقهور گردد: "الْمَوْتُ فِي حَيَاتِكُمْ مَقْهُورِينَ وَ حَيَاةٌ فِي الْمَوْتِكُمْ الْقَاهِرِينَ". آنچنان وجودش آمیخته با قضا و قدر الهی بود که درنگی از مرگ نهراسید، بلکه در بیان علاقه به آن با کلام "وَاللَّهُ لَابْنِ ابِيطَالِبِ اُنْسٍ بِالْمَوْتِ مِنَ الطُّفْلِ بِشَدَى اُمِّهِ"، درسوگندی مقدس یاد می کند.

در اجرای عدالت آن گونه قاطع بود که پیامبر فرمود: "كَمَيِّ وَكَمِّي عَلِيٌّ فِي الْعَدْلِ سِوَاءٌ" و دوستی علی را ایمان و بغضش را کفر می شمارد که: "حُبُّ عَلِيٍّ اِيْمَانٌ وَ بُغْضُهُ كُفْرٌ". ستیزگی با علی را ستیز با خدا خواند که: "حَزْبُ عَلِيٍّ حَزْبُ اللَّهِ" و آشتی با علی را آشتی با خدا داند که: "سَلِمَ عَلِيٌّ سَلِمَ اللَّهُ". "طرفدار علی را حزب خدا و هرانچه ضد اوست حزب شیطان تلقی فرماید که: "حِزْبُ عَلِيٍّ حِزْبُ اللَّهِ وَ حِزْبُ اَعْدَائِهِ حِزْبُ الشَّيْطَانِ" و بالاتر اینکه حتی شکوه از علی کردن بزرگترین معصیت است درمحضرحق تعالی که: "لَا تُشْكُوا عَلِيًّا فَوَاللَّهِ اِنَّهُ لَا خَيْرَ فِي الذُّبَاتِ اللَّهِ مِنْ اَنْ يُشْكَى".

علی قسمت کننده بهشت و جهنم است که: "عَلِيٌّ قُسْمُ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ". علی نه تنها کاتب قرآن، بلکه قرآن ناطق است که: "عَلِيٌّ مَعَ الْقُرْآنِ وَ الْقُرْآنُ مَعَ الْعَلِيِّ".

علم پیامبر را باید در بیان علی جست و جو کرد که: "اَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ عَلِيٌّ بَابُهَا". در حجة الوداع، آن زمان که دلها از زلال زمزم از

مظهر ایمان مجسم ، تجلی انوار حق تعالی ، آیینۀ قد نمای صفات الهی ، عادلترین قاضی عالیترین حقوقدان ، حد اعلای شجاعت ، شهامت ، زستگاری ، تقوا ، ایمان ، ایثار ، مقاومت ، صداقت ، قدرت ، رأفت ، ظلم ستیزی ، فداکاری و پهلوانی ، تا جایی که بشر را از بشر خواندندش تردید است و از غیر آن بیم انحراف از صراط مستقیم اعتقاد به وحدانیت واجب الوجود .

آموخته هفتاد حدیث از پیامبر که اغیار را بی نصیب از آن ، عدم استفاده از شمع بیت - المال در پیش پای دیدن و در تقسیم احدی حتی عقیل را بر دیگران رجحان ندادن ، مشک پیرزنی به دوش کشیدن ، با دست خود برای ایتم نان پختن ، صورت خویش را بر آتش نواختن و نار را به گداختن و سوزاندن سیمای خویش فرا خواندن تا مبادا در فردایی دیگر شکوه از علی شود .

درد نا متجانس بودن با جامعه را تحمل کردن ، آنجا که فراز منبر است ، عربی بدوی از شمار موی بدن الاغ خویش پرسد ، واز دست آنان که در کویر روحشان و در شوره زا ر عقل منجمدشان ره کوره‌ای از دین و دانش نبود سر در چاه فرو بردن و راز دل سوخته را در سکوت ستارگان در گوش چاه و نخلهای بیابان گفتن ، وراستی که درد علی ورای درد همه مردم است . نظاره بر پهلوی شکسته "ام ابیها" را بر انقطاع بانگ اذان ترجیح دادن و به خاطر حفظ اسلام از حق مسلم خویش "خلافت" بیست و پنج سال گذشتن و در اتمام حجت

به هنگام مباحله چهار نفر از پنج نفری که آمده بودند تا با نمایندگان مسیحی به مباحله بر خیزند از خاندان علی بود ودر بیان هیبت وعظمت آنان همین نکته از زبان اسقف نجران کفایت کند که گفت : "به خدا قسم چهره هایی می بینم که اگر دست به دعا بردارند سلسله جبال از جای کنده خواهد شد" و داستان حماسه آفرینی فرزندان آن حضرت خود فصلی سواست که شرح آن در این مختصر نمی گنجد .

چون سه روز پیایی افطار خویش را انفاق فرمود از کرامتش با " وَ يُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلٰی حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَاَسِيرًا تَقْدِيرٌ شَدِيدٌ .

آن زمان که حضرت ختمی مرتبت در قید حیات بود دست بر شانه علی زد و با تعبیر " وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ اِنَّ هَذَا وَشِيعَتَهُ هُمُ الْفَائِزُونَ " او را مصباح الهدایه صراط مستقیم قرار داد و با کلام " عَلِيٌّ نَفْسِي " وی را پاره ای از وجود خویش قلمداد فرمود .

دعای کمیل شمه ای از عرفان نظری امام علی است و هم اوست که گنجینه هفتاد و دو علم امامت نزدش به ودیعه نهاده اند .

علی انسانی بود با ابعادی متضاد که جاذبه اش صابران را به صراط حق می کشانید و دافعه اش ناکسین و قساطین و مارقین را از دم ذوالفقار آب می داد . در تمام عمر " لِيُظَالَمَ خَصَمًا وَّلِمُظْلَمًا عَزْمًا " بود .

عنصر لایتناهی تفکر و اندیشه ، حقیقتی انکار ناپذیر برگونه افسانه ها و اساطیر تاریخ ،

پذیرش آن را حجت دانستن و در غیرش افسار شتر عنان گسیخته "حکومت" را بر بیالش افکندن و رها ساختن .

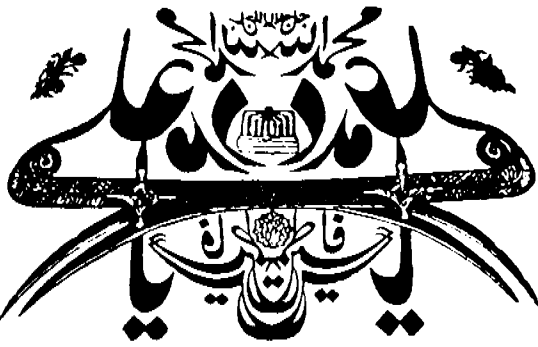
دنیا را سه طلاقه کردن و حاضر به معاوضه آن با گرفتن دانه جوی از دهان موری نشدن .
در برابر ذات احدیت عاجزانه "ما عرفناک حق معرفتک" را ادا نمودن و در احادیث "ثقلین" و "سفینه النوح" به ناجی امت ملقب گشتن ، ادبیات فصیح عرب را بنا نهادن و سرانجام در آخرین لحظه حیات جاودان با فرق خونین در محراب عبادت ندای "فزت ورب الکعبه" را سردادن .

راد مردی که شخصیتش آن گونه انکار ناپذیر بود که عمر هفتاد بار در باره اش گفت: "لولا علی لهلک العمر" راستی کجایند مدعیان عدالت تا ببینند آیا خواهند توانست تمامی زندگی خویش را با گوشه ای از حیات جاودانه علی مقایسه کنند؟

کاش علی امروز در میان ما بود تا حلال مشکل اندیشمندان می گشت .

کاش علی بود و از نو کعبه را جایگه لات و عزی می دید و در جوار بیت الله الحرام خلافت ابوسفیان را مشاهده می کرد تا دوباره عزم فتح بیت الله الحرام می نمود .

کاش علی می بود و بتهای عصر جنگ الکترونیک ستارگان را درهم می شکست . علی می بود و بی حرمتی صهیونیستهای غاصب و صربهای متوحش را نسبت به زنان مسلمان می دید تا فتوا می داد که اگر مسلمان از این غصه بمیرد ، شهید است .



کاش علی می بود و می دید که چگونه سلمان رشدی ، این مرتد خبیث ، مقدسات امت اسلامی را بدتر از کعب بن اشرف مورد اهانت قرار داده است تا شمشیر از قراب می کشید و شور "بدر" را تکرار می کرد .

یا علی ، اینک ماییم و تکرار تاریخ ، ماییم و "احزابی" دیگر ، و در این میان اگر چه وجود مبارک تو جساما در میان ما نیست ، اما بی صبرانه در تب و تاب التهابی سخت به افقهای دور چشم دوخته ایم و در انتظار رؤیت خورشید رخشنده جمال حضرت قائم (عج) بیقرا رانیم .

والسلام

تصحیح و پوزش

حدیث سلونی قبل ان تفقدونی منسوب به حضرت علی علیه السلام است که بدین وسیله اصلاح می شود (مقاله چگونه پرسشهای دانش آموزان را پاسخ دهیم ؟ پیوند شمساره ۱۶۳ - ۱۶۲).

منظور از نگارش این مقاله این است که رابطه بین هویت و گروه اجتماعی فرد را با محیط اطرافش بررسی کنیم. این نوع مطالعه از مشاهدات رفتارگرایان بر روی رفتار حیوانات آغاز شده، از آن پس مطالعات فوق در آمریکا در باره علوم مختلف مانند روان شناسی محیط، بوم شناسی اجتماعی و یا حتی جامعه شناسی فرد مطرح شده است. این قبیل تحقیقات چگونگی استفاده از

" پروگسمی " واژه ای است که به توسط دانشمندی به نام ای - تی - همال ابداع شده و منظور از آن مطالعه چگونگی استفاده انسان از فضا یا محیط زندگی است. همان طور که می دانید، هریک از ما هنگام برقراری ارتباط با دیگران فاصله ای را با آنان رعایت می کنیم. این فاصله یا فضای اجتماعی بر حسب شرایط، موقعیت، مقام و فرهنگ ما و دیگران فرق می کند و تعیین

ردیف جلو، ردیف عقب

نیلوفر حجازی

فضا و فاصله اجتماعی در حمل و نقل، در خیابان، آسانسور، کتابخانه و در محل کار را مورد بررسی قرار می دهد.

مطالعه در مورد فضای اجتماعی آموزش و پرورش بتازگی آغاز شده است و هنوز مراحل اولیه خود را طی می کند. اما توجه به این امر و انجام تحقیقاتی در مورد شناخت دقیقتر آن به معلمان و دست اندرکاران آموزش و پرورش در شناخت بهتر عواملی که

کننده رابطه ما با محیط اجتماعی است. مثلاً" بسته به اینکه مخاطب ما یکی از نزدیکان، همکار اداری و یا مأمور رسمی وزارتخانه باشد و یا اینکه در مقام رئیس، کارگر، پلیس و به عنوان عضوی از یک گروه اجتماعی و فرهنگی (ایرانی - آمریکایی - ژاپنی) با دیگران رابطه برقرار می کنیم، حریم یا فضای اجتماعی خاصی را در اختیار می گیریم.

طبقه اجتماعی و غیره است، و بدین ترتیب توزیع مکانی شاگردان، آنان را به نوعی دسته بندی می کند و این دسته بندی در روابط و موقعیت اجتماعی آینده آنان مؤثر خواهد افتاد.

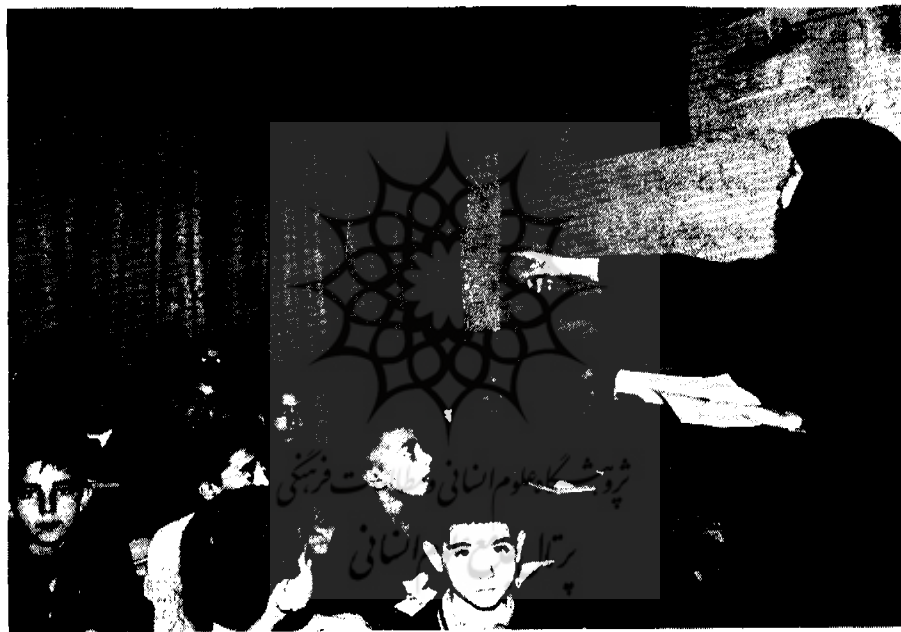
عناصر حسی :

در کلاس درس هر قدر دانش آموزان از آموزگار، یعنی فرستنده پیام دورتر باشند ،

می توانند در یادگیری کودکان و ارتباطات آنان با معلم مؤثر باشند، کمک می کند.

موقعیت مکانی :

در یک کلاس درسی سنتی ، فرض بر این است که همه شاگردان بطور مساوی در مقابل پیام آموزگار قرار می گیرند ؛ اما فضای محدود کلاس دارای تنوع وسیعی از نظر شرایط دریافت اطلاعات ، از نظر دید ،



پیام ضعیفتری را دریافت می کنند، زیرا در مرحله اول ، اثر پیام کمتر است . می دانیم اهمیتی که دانش آموز به پیام می دهد متناسب با هیجانی است که به وسیله قدرت صدا پدید می آید. از طرف دیگر در انتهای

چگونگی شنیدن پیام ، وضع بویایی ، حرارتی و غیره است .

مطالعات محققان آمریکایی و نیز جامعه - شناسان فرانسوی بر این نکته تأکید دارد که محل نشستن هر دانش آموز در کلاس تابع عوامل مختلفی مانند: معیارهای آموزگار، علاقه و انگیزه شاگرد ، عضویت فرد در گروه،

تکمیل کننده اطلاعات کمتر بهره مند می شوند.

به طور کلی منظور اصلی از میزان فضای اجتماعی این است که به نسبت دوری پیام دهنده، نوع اطلاعات دریافت شده تغییر می کند.

اطلاعاتی که از فاصله نزدیک دریافت می شود، غنی، پیچیده و صمیمی است، خبر از وضعیت عاطفی پیام دهنده و حتی گاه عطر و دمای بدن وی نیز می دهد. بنابراین شاگردان ردیف اول کلاس که نزدیک معلم نشسته، به چهره او توجه دارند پیام بسیار قویتر و بهتری را دریافت می کنند.

از طرفی شاگردان ردیف جلو به عناصر خصوصی تری نیز دسترسی دارند که معمولاً توجه آنان را جلب می کند، مانند رنگ جوراب معلم، بند کفش باز شده،

کلاس رقابتی نیز بین پیام ضعیف شده معلم و پارازیت صدای شاگردان اطراف برقرار می شود.

از سویی نیز زمینه اصلی هر پیام کلامی در حقیقت مجموعه تظاهرات غیر کلامی است که پیام را همراهی می کند. حالات و حرکات گوینده گاه برتر از گفتار است، زیرا اگر در مخاطب خود تناقضی بین این دو روش ارتباطی مشاهده کنیم، نتیجه می گیریم که دروغ می گوید (مثلاً) وقتی شخصی به ما می گوید: از دیدن شما واقعا خوشحالم، اما نگاهش بی روح، دستهای شل و آهنگ صدایش بدون هیجان است!

از آنجا که خصوصی ترین و پیچیده ترین اطلاعات از طریق چهره، بخصوص چشم و دهان منعکس می شود، دانش آموزانی که در ردیفهای عقب می نشینند از این اجزای مهم



تهدید تلقی می نمایند. بعضی از دانش آموزان بسرعت در ذهن خود قانون احتمالات را وضع می کنند، یعنی با توجه به اینکه معلم تحت برخی از شرایط و یا به دلیل تمرینات خاص درسی در کلاس حرکت کرده، ردیفهای عقب را مشاهده می کند. این دانش آموزان بدین ترتیب خود را به وسیله رفتارهای پنهان کارانه لازم محافظت می کنند.

عوامل استراتژیک و اجتماعی:

دانش آموزان ردیف اول به علت اینکه روبروی آموزگار قرار دارند از دید خوبی برخوردار هستند. مطالعات روان شناسی غالباً اهمیت دید مطلوب را در تشویق شاگرد به شرکت در فعالیتهای کلاس مورد توجه قرار داده است. SOMMER با مقایسه وضع قرار گرفتن افراد به صورت ردیفهای پشت سر هم، مربع و یا به صورت U نشان داده است که وقتی افراد پشت سر هم قرار می گیرند شرکت و فعالیت آنان در کلاس به ترتیب از جلو به عقب و از وسط به طرفین کم می شود.

اگر نیمکتها به صورت مربع قرار گرفته باشند، تشریک مساعی شاگردان در آن بخشهایی که رو به معلم دارند، بیشتر است. و شیوه نشستن شاگردان به صورت لباعث می شود که دورترین شاگردان در حاشیه قرار گیرند.

حالت دستها و به همین ترتیب تردیدها و ناراحتیهای معلم و غیره. یعنی کلیه عناصری که نمودار حالت انسان بودن و تشخیص هویت معلم می شود.

از فاصله دور اخبار ضعیفتر، کلی تر و عمومی تر به نظر می رسند (حرکات، جهت بدن و جابجاییها). عدم وجود اطلاعات غیر کلامی دقیق، باعث می شود که کلام و مطلب اصلی معلم بطور کامل تفهیم نشود. برای شاگردان ردیفهای آخر، معلم معمولاً حالت شخصی اقتدارگر یا تمسخرکننده، مجسمه مانند و یا برعکس متحرک و به هرحال دور دست و غریبه را پیدا می کند.

به طور خلاصه با فاصله گرفتن تغییر مهمی در پیام پیام دهنده و اثرات آن حاصل می شود و به دنبال آن کشمکشی بین دو قطب، یعنی اثر عاطفی قوی برای ردیفهای جلو و اثر ساده و عمومی برای ردیفهای عقب، به وجود می آید.

در این زمینه محققانی مانند: SCHEWEL و CHERLIN نشان داده اند که معلمان کلاسهای کودکان، بچه های ردیف اول کلاس خود را بچه هایی دقیقتر، خجالتی تر و دوست داشتنی تر معرفی می کنند. این قضاوت از آنجا ناشی می گردد که معلم معمولاً یا پشت میز خود نشسته، یا پای تخته است و بنابراین بچه های ردیف جلو بیشتر به حضور وی عادت می کنند، در حالی که بچه های ردیفهای آخر حرکت و رفت و آمدهای معلم را در کلاس نوعی

اجتماعی حاشیه ای است. انتخاب محل خاص در کلاس از سوی هر شاگرد باعث این گونه رفتارها خواهد شد. انتخاب محل در واقع دانش آموز را محکوم به انتخاب راهبردهایی خواهد کرد که در کوتاه مدت ثمره خود را خواهد داد. باید دانست که متأسفانه این استراتژیها آینده تحصیلی درخشانی را به همراه نخواهد داشت. مثلاً "فلان شاگرد در آخر کلاس می تواند متخصص سرگرم کردن بچه ها بشود، رفتاری دلچسبی و با نمک داشته باشد، در مورد صحبت های معلم اظهار نظر کند و آنها را با تکیه کلام همراه نماید. در اینجا شاگرد اهدافی متناقض خواهد داشت: او می خواهد دانش آموزان صدایش را بشنوند، بدون اینکه معلم متوجه شود. بهترین زمان خوشحالی متناقض دلچسب کلاس موقعی است که معلم از او بخواهد حرفش را تکرار کند. توجه کلاس به او، به حداکثر خود می رسد. در این لحظه دلچسب از نظر خود دارای اعتبار فوق العاده شده است. او توانسته است توجه کلاس را به خود جلب کند و به عنوان فردی که جرأت کرده است خود را به خطر بیندازد، معرفی شود.

این نوع استراتژی شاگرد را به سیاستی متناقض می کشاند که بی شباهت به سیاست یک بزه کار کوچک نیست، بدین معنی که برای جلب توجه دیگران باید خلاف کند و گیر بیفتد. ترس و علاقه به گیر افتادن، به

افرادی که بین این دو قطب قرار دارند، یعنی بچه های ردیف های وسط بیشتر احساس امنیت می کنند؛ اما آنان یا خود را در سطح شاگردان ردیف های اول (ردیف دو و سه) و یا در سطح ردیف های آخر (ردیف چهار و پنج) تلقی می کنند. بنابراین در کلاس همواره یک منطقه انتقالی وجود دارد که در آن دانش آموزان تحت تأثیر اثرات مختلف و متضاد قرار می گیرند. یعنی یا جذب نظم و دیسیپلین ردیف های اول می شوند و یا به شیطنتهای ردیف های آخر می پیوندند. افرادی که در کنار قرار گرفته اند، بخصوص طرفی که روبروی معلم است، در شرایط مطلوبی از نظر دید قرار دارند، از این نظر که $\frac{3}{4}$ کلاس زیر نظر آنان است و دیدی جنبی نسبت به ردیف های مختلف دارند.

نکته مهمی که از همه این مشاهدات حاصل می شود این است که هر بخشی از کلاس دارای ساختار ارتباطی خاصی است و از این نظر تعامل کودکان و توجه آنان به گفتار معلم در این قسمتها متفاوت است. دانش آموزان در کلاس کوشش می کنند تا براساس شرایط و خصوصیات ویژه خود در مکان خاصی قرار گیرند؛ مکانی که در آن احساس امنیت بیشتری می کنند. دانش آموزی که در وسط کلاس خود را قرار می دهد، متمایل به گم شدن در وسط جمعی ناآشناست. خود را پشت به دیوار قرار دادن یا در آخر کلاس قرار گرفتن نشانه رفتار

(بیمارگونه) آشکار منجر گردد.

در نتیجه می توان گفت که معمولاً بین ردیف جلو و عقب کلاس شکافی پنهانی به وجود می آید که با حسادت و نفرت تقویت می شود. بدین ترتیب که جلویها، در جست و جوی مشروعیت و جذب ارزشهای غالب هستند و ردیفهای عقب تشتت، حاشیه گرایی و تأکید بر ارزشهای گروه رami طلبند.

همه این داده ها نشان دهنده اهمیت محل قرارگرفتن شاگرد در مدرسه است. ضمن اینکه می دانیم وضع مطلوبی که براساس آن همه شاگردان بتوانند براساس معیارها و استانداردهای مورد نظر و برابری دقیق از نظر دریافت و ارسال پیام قرارگیرند، وجود ندارد.



صورت عادت در می آید. این شاگرد در کلاس، با معلم خود که معرف قانون و شاگردانی که معرف جامعه اند، رفتاری را بر اساس ترس و تظاهر به قانون شکنی تجربه می کند. او از این پس رفتاری مبهم با منبع قدرت و حس تمسخر و تظاهر به نقض قانون در مقابل مجموعه اجتماعی خواهد داشت.

البته انتخاب این قبیل راهبردها با زندگی گذشته فرد و با روش ارتباطی معمول که او در محیط خانواده و با همسایگان و دوستان تجربه کرده، وابسته است و بنابراین شاگرد سرگرم کننده و درون گرا بیشتر در جهت الگوی "دلقک غمگین" حرکت می کند، و سرگرم کننده برون گرا خود را خوش صحبت، کلک و قانون شکن معرفی خواهد کرد. به همین ترتیب این افراد ممکن است مشاغلی را انتخاب کنند که در آن بتوانند از این خصیصه اجتماعی خود استفاده کنند. (مثلاً "حرفه هنری یا تجاری").

راهبردهای دیگر شاگردان ردیفهای آخر انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی
عبارتند از:

رفتار تحریک کننده (رفتار دلقکی یا مزاحم)

رفتار مخالف (به عنوان سر دسته گروه)

رفتار گوشه گیر (در حاشیه قرارگرفتن) این رفتارها که آموزگاران با آنها بخوبی آشنا هستند، ممکن است در موارد شدید به نقشهای ضد اجتماعی و حتی پسیکوپاتیک

افرادی که بیشتر با آنان در مبادله ایم طبیعتاً آسانتر است. بدین ترتیب معلم بدون اینکه خود کاملاً آگاه باشد نوعی تقویت انتخابی را اعمال می کند.

از طرف دیگر شاگرد ردیف اول می تواند با صدایی آهسته، به سؤالات آموزگار پاسخ دهد. اگر او اشتباه کند به عدم تأیید آموزگار منجر می شود که این موضوع تنها بین او و آموزگار برقرار است، ولی آبرویش جلوی بقیه شاگردان نمی رود، چرا که شاگردان ردیفهای عقب احتمالاً جواب او را نشنیده اند و در هر صورت کلاس پشت سر او قرار دارد و لزومی ندارد که با شاگردان روبرو شود.

معلم معمولاً تمایل دارد هر نوع تمسخری را در کلاس سرکوب کند، بنابراین چنانچه پاسخ شاگرد ردیف اول احتمالاً باخنده ردیفهای بعدی روبرو شود، غالباً پاسخ معلم بدین صورت است که: "خوب، تو که می خندی، خودت جواب بده ببینم،" به طوری که برای خیلی از شاگردان، مسخره کردن ردیفهای اول به معنای طرف شدن با خود معلم است.

برعکس اگر شاگردی از ردیفهای آخر بخواهد به سؤال معلم پاسخ دهد باید آن را با صدای بلند بیان کند و نقطه ابهامی باقی نگذارد. معلم کمتر می تواند تردیدها و ابهام در پاسخ این نوع شاگردان را تشخیص دهد. گاهی که می بیند دانش آموز مایل است در پاسخ شرکت کند او را تشویق می کند، اما

آنچه در مورد ارتباط معلم و دانش آموز صدق می کند در مورد رابطه دانش آموز و معلم هم صادق است. آموزگار در مورد فهم پیام خود از طرف شاگردان ردیفهای اول اطلاعات بیشتری دریافت می کند (مثلاً بازخورد حالت چهره) و معمولاً تمایل دارد که آنان را به عنوان مخاطبان برگزیده خود تلقی کند. حتی اگر مخالفتی در سطح کلاس وجود داشته باشد، توجه معلم به عکس عملهای ردیفهای جلو است.

می دانیم که معمولاً در شرایط گروهی، سخنران بیشتر به کسانی نگاه می کند که به او بازخورد موافق نشان می دهند (تکان دادن سر، مژه زدن، توجه کردن و...)، به همین ترتیب سخنران لازم می داند به این شنوندگان پاسخ دهنده خود دید خوبی هم از خود ارائه دهد. هنگامی که معلم سؤالی از کلاس می کند، شاگردان ردیفهای اول سعی می کنند به سؤال پاسخ دهند. معلم اگر احساس کند پاسخ آنان در جهت صحیح است غالباً تمایل به تشویق آنان دارد. در عین حال هنگامی که آموزگار در انتظار جواب است نگاه خود را به صورت طولانی تر روی کسانی که از آنان انتظار پاسخ را دارد متمرکز می کند. وی علاوه بر نگاه، با لبها، ابروان و حرکات جزئی دیگری پاسخ صحیح را به شاگردان ردیفهای جلو القا می کند، بدین معنی که "بله... ادامه بدهید... جواب صحیح است"... به عبارت دیگر هماهنگی با



بود، چرا که همه شاگردان آن را ضبط کرده-
اند، حتی دانش آموزان ردیف اول، زیرا
معلم اگر خودش جواب را متوجه نشده
باشد از او می خواهد جواب را دوباره تکرار
کند.

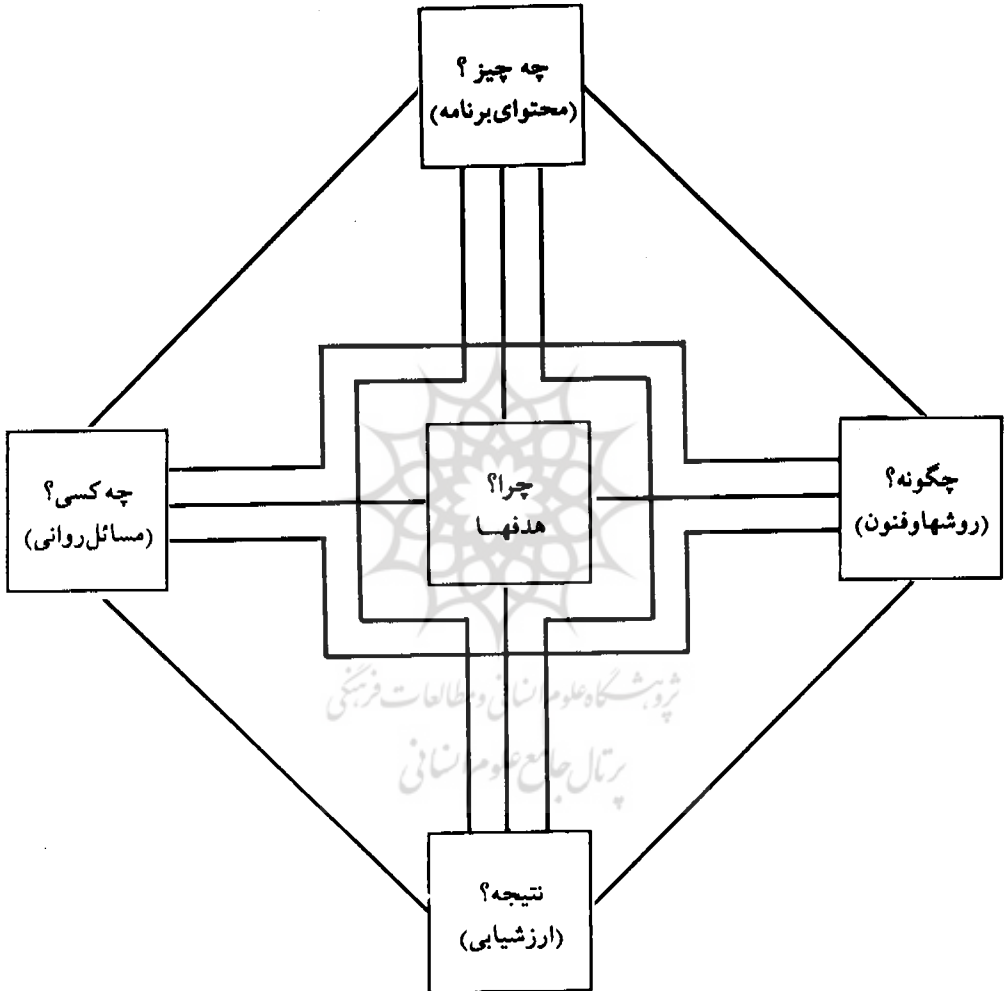
بدین ترتیب در صورت ارائه یک پاسخ
اشتباه، دانش آموز ردیف آخر می بیند که
همه کلاس، معمولاً با خنده و تمسخر، به
طرف او بر می گردد. شرایطی که تحمل آن
بسیار دشوار است. آبرو رفتن به معنای
واقعی چیزی جز این نیست. در این گونه
مواقع دانش آموز مجبور می شود برای
توجیه خود چیزی بگوید، چیزی که معمولاً
به ایجاد دردسر بیشتر برای او منجر
می گردد.

بدون اینکه بتواند از حرکات جزئی القاکننده
استفاده کند؛ و بنابراین دانش آموز احساس
می کند که در معرض قضاوت عمومی قرار
گرفته است.

نتیجه:

برای دانش آموزان ردیفهای آخر، قیمت
درگیر شدن در فعالیتهای درسی کلاس بسیار
بیشتر است. آنان باید، محکمتر و بلندتر
صحبت کنند و از نظر عاطفی بیشتر خود را
درگیر نمایند. این کوشش و تنش همراه آن
ممکن است مانع مداخله شاگردان بشود.
صدای بلند شاگرد ردیف آخر محتوای پیام
وی را برجسته تر نشان می دهد و در صورت
غلط بودن پاسخ، شکست دردناکتر خواهد

ضرورت توجه به ارزشیابی تکوینی در فرآیند تدریس



تدریس فرایندی است تعاملی، بین معلم و شاگرد. این فرایند مسبوق به اصولی، مستلزم طرح و نقشه‌ای و متوجه اهدافی است. به عبارت دیگر تدریس جریانی است آگاهانه که مسائل عمومی آن را به اختصار می‌توان در نمودار بالا نشان داد.

بختیار شعبانی ورکی

میان متخصصان مربوط وجود ندارد. یکی از این تعاریف، (در ارتباط با ارزشیابی)، عبارت است از سنجش عملکرد یادگیرندگان و مقایسه نتایج با هدفهای از پیش تعیین شده به منظور تصمیم گیری درباره مطلوبیت فعالیتهای آموزشی معلم و کوششهای یادگیری دانش آموزان و دانشجویان.^۲ بدین ترتیب در ارزشیابی ما در صدد هستیم تا بدانیم اولاً نتایج به دست آمده از چه قرار است و ثانیاً آیا هدفهای مورد نظر تحقق یافته یا نه؟ یادآوری می شود هدفهای تربیتی درحقیقت همان ارزشهای تربیتی است که مایل هستیم در یادگیرنده پس از رویروشدن با مجموعه ای از تجارب یادگیری پرورش یابد.

ارزشیابی تکوینی^۱ و ارزشیابی پایانی^۲

می دانیم که اهداف تربیتی به اعتباری به هدفهای نهایی (غایی) و هدفهای واسطه ای تقسیم می شوند و فراگیری اهداف واسطه ای، لازمه دستیابی به اهداف غایی است. متخصصان علوم تربیتی بر مبنای همین طبقه بندی، و به منظور تعیین میزان تحقق اهداف (غایی و واسطه ای)، دوشیوه مهم ارزشیابی تکوینی و ارزشیابی پایانی را توصیه می کنند.

ارزشیابی تکوینی: به ارزشیابی ضمن آموزش یا زمانی که یادگیری هنوز در حال تکوین و یا شکل گیری است اطلاق می شود، و اساساً به منظور کسب اطلاع درباره نحوه یادگیری دانش آموزان، یادگیری دانش آموزان، تعیین نقاط قوت و ضعف آنها و تشخیص مشکلات مربوط به

همان طوری که ملاحظه می شود یکی از موضوعات اساسی در فرایند تدریس، نظام ارزشیابی است. بنابراین در وجود و ضرورت ارزشیابی در فرایند تدریس هیچ تردیدی نیست.^۳ آنچه مورد سؤال است، کیفیت ارزشیابی است، که معمولاً دانش آموزان و دانشجویان را در تمام مقاطع تحصیلی (از ابتدایی تا دانشگاه) دچار تشویش و اضطراب می کند. مسائل مترتب بر کیفیت آموزشی مبتلا به اغلب کشورها، از جمله کشور ماست. ژان پیازه^۴ در این مورد می نویسد: درباره ارزش امتحانات درسی فراوان صحبت شده و چیز ناگفته نمانده است، مع ذلک این جراحی واقعی تعلیم و تربیت در تمام درجات به معیوب ساختن مناسبات بین شاگرد و معلم ادامه می دهد، شوق کار را در هر دو می کشد و اعتماد متقابل را از هر دو طرف سلب می کند...^۵ امروزه در مدارس ما، ارزشیابی نقش وسیله ای خود را تا حد زیادی از دست داده و تقریباً جایگزین اهداف آموزشی شده است، به گونه ای که دانش آموزان تصور می کنند تنها زمانی ملزم به مطالعه و تحقیق (درس خواندن) هستند که می خواهند امتحان بدهند. و لذا یادگیری واقعی^۶ در مدارس و حتی دانشگاههای ما بندرت مشاهده می شود.

ارزشیابی^۶

درباره ارزشیابی تعاریف متعددی ارائه شده است، خوشبختانه اختلافات اصولی در این زمینه

راهم برای معلمان دربر دارد از جمله آنها:

الف - معلمان دائماً از نتیجه کار و تلاش خود آگاه می شوند.

ب - معلمان در نتیجه ارزیابی مداوم کار خود، هم بهتر می توانند دانش آموزان را هدایت کنند و هم به اصلاح کار خود پردازند.

- در ضمن رعایت ارزشیابی تکوینی در فرایند تدریس پیامد مشترکی هم برای معلمان و دانش آموزان دارد. زیرا در این صورت ارزشیابی (بطور کلی) جایگاه خود را به عنوان وسیله (و نه هدف) در تعلیم و تربیت به دست می آورد. با این وجود در کیفیت ارزشیابی تکوینی نیز باید اصول و قواعدی را مراعات کرد، به گونه ای که امکان بروز هرگونه نتیجه نامطلوب را به حد اقل رسانند. برخی از این قواعد عبارتند از:

۱- فعالیتهای ارزشیابی تکوینی به صورت اختیاری ارائه شود. بدین معنی که دانش آموزان به منظور تصحیح و تکمیل فعالیتهاشان لازم است به جای امر و نهی شدن، برانگیخته شوند. و برای برانگیختن دانش آموزان عوامل زیر می توانند کار ساز باشند:

(۱-۱) به دانش آموزان فرصت داده شود تا آزادانه با یکدیگر به فعالیت پردازند.

(۲-۱) فراهم نمودن بازخوردهای اطلاعاتی (بازخوردهایی که در ارتباط با رفتار دانش آموزان، اطلاعاتی در اختیارشان قرار دهند) فوری (بازخوردهایی که بلافاصله بعد از رفتار دانش آموزان ارائه گردد) و بدون تهدید.

(۳-۱) دخالت دانش آموزان در ارزشیابی آنها.

روش آموزشی (تدریس) معلم و... انجام می گیرد. اما ارزشیابی پایانی: به ارزشیابی در پایان دوره آموزشی اطلاق می شود که به منظور کسب اطلاع از میزان دستیابی دانش آموزان به هدفهای اصلی... انجام می گیرد.

ضرورت توجه به ارزشیابی تکوینی

همان طور که گذشت ارزشیابی تکوینی، در طول دوره آموزشی انجام می گیرد و بنابراین اگر هدف اصلی تعلیم و تربیت در مدارس تأکید بیشتر روی یادگیری است تا نمره دادن، باید مدت زمانی که به ارزشیابی تکوینی اختصاص داده می شود خیلی بیشتر از مدت زمانی باشد که صرف ارزشیابی پایانی می گردد، چرا که در فعالیتهای ارزشیابی تکوینی:

الف - دانش آموزان دائماً در حال ارزیابی هستند و زمان برگزاری امتحان مشخص نیست، بنابراین همیشه باید آماده باشند.

ب - به دانش آموزان کمک می شود تا بهتر خود را (توانمندیها و ناتوانمندیهایشان را) بشناسند.

ج - آگاهی و شناخت خود، انگیزه برای اصلاح نقایص یادگیری و تقویت جنبه های مثبت را در دانش آموزان، بالا می برد.

د - به مساوات تقویت انگیزه برای یادگیری، اضطراب امتحانی نیز تا حد زیادی کاهش می یابد.

- بعلاوه ارزشیابی تکوینی، پیامدهای مطلوبی

شدن را حتی در بهترین دانش آموزان فراهم آورند. (موفقیت آسان صورت نگیرد).

به رغم همه این تأکیدات، باید اذعان داشت که به منظور قضاوت در باره ارتقای دانش آموزان به مراحل بالاتر، ارزشیابی پایانی نیز به نوبه خود ضرورت داشته، با الحاق این عقیده که " لازم است روشهای ارزشیابی پایانی، امتحان مجدد را هم در برگیرد. شانس دوم (امتحان مجدد) این انگیزه را برای دانش آموزان به وجود می آورد تا جوابهای نادرست را که در فعالیتهای قبلی ارائه داده اند مورد بررسی قرار دهند. و بدین ترتیب دانش آموز فرصت می یابد تا هراشتباهی را که در امتحان نخستین مرتکب شده، در امتحان مجدد اصلاح کند و این امر به عنوان یادگیری واقعی تلقی می گردد."

در عین حال اضافه می کنم که حتی ارزشیابی پایانی نیز در نهایت ضروری است، صورت تکوینی (مرحله ای) به خود گیرد. چه اینکه به اعتقاد نگارنده تنها در چنین صورتی است که سلامت روشهای ارزشیابی در نظام آموزشی (تاحدی) تضمین خواهد شد. البته ناگفته نماند عوامل دیگری نظیر محتوای درسی، روشهای تدریس، امکانات آموزشی و... نیز در کیفیت ارزشیابی مؤثرند. لذا عدم بررسی عوامل مذکور نباید به منزله غفلت و یا بی توجهی از آنها تلقی گردد، گویا اینکه موضوع مقاله چنین اقدامی را تجویز نمی کند.

بقیه در صفحه ۶۰

(۴-۱) اطمینان دادن به دانش آموزان در این مورد که ارزشیابی به منظور اصلاح عمل گذشته و یا تقویت میزان یادگیری اعمال می گردد. (۵-۱) پرهیز از ایجاد رقابت بیسن دانش آموزان.

(۶-۱) اجتناب از اعمال فشارهای خارجی (نظیر جایزه، تهدید، نظارت به توسط دیگران و...) که نقشهای نظام یافته ای را به دانش آموزان القا می کند و آنها را در یک قالب معین قرار می دهد.

و...
- همان طوری که از لغت امتحان (به رنج انداختن) برمی آید، سؤالات امتحانی باید به گونه ای طراحی شوند که حداقلی از زمینه درگیری



قدر زندگی خود را بدانیم و بآبی احتیاطی و غفلت آن را به خطر نیندازیم



سخنرانی جناب آقای دکتر ملک زاده

به مناسبت افتتاح سمینار سال روز جهانی بهداشت

ملاحظه می کنیم تغییر عادات و رسوم سنتی و اتخاذ شیوه های نو برای زندگی ، شرط لازم برای این دگرگونی است و به دنبال این تغییرات بنیادی در جامعه بیماریها و مسائلی قد علم کرده اند که زائیده عواملی هستند که خود انسان آنها را خلق کرده است و رهایی از آنها کاری بس دشوار است. یکی از این مسائل بروز روز افزون سوانح و حوادث می باشد .

همه ساله سازمان جهانی بهداشت روز ۷ آوریل مطابق با ۱۸ فروردین ماه را به عنوان سال روز جهانی بهداشت نامگذاری کرده است و با توجه به اولویتهای بهداشتی در سراسر جهان ، یک موضوع اساسی را سرلوحه فعالیتهای خود قرار داده ، به کلیه کشورها با عنایت به شرایط فرهنگی و اجتماعی خود توصیه می کند تا با توجه به مفهوم "جهانی فکر کنید و منطقه ای عمل نمایید" ، موضوع مورد نظر را در اولویت برنامه های بهداشتی خود قرار دهند و چنانچه به خاطر داشته باشیم سال گذشته نیز با هدف قرار دادن موضوع بیماریهای قلبی و عروقی که از بیماریهای غیر واگیر محسوب می شود، شعار: "ضربان قلب، آهنگ سلامت،" را مطرح ساخت .

امسال سازمان جهانی بهداشت با هدف پیشگیری از سوانح و حوادث شعار: "قدر زندگی خود را بدانیم و با بی احتیاطی و غفلت آن را به خطر نیندازیم" را انتخاب کرده است.

در نیمه دوم قرن بیستم همگام با پیشرفتهای روز افزون صنعت و تکنولوژی و رشد و شکوفایی علوم و فنون ، شاهد آن بوده ایم که شرایط حاکم بر سلامت و بهداشت مردم جهان تغییر کرده است. از یک سو کشورهای صنعتی و پیشرفته جهان که در مبارزه با بیماریهای واگیر موفق شده بودند حرکتهای علمی و پژوهشی خود را به سمت بیماریهای غیر واگیر و مزمن همچون بیماریهای قلبی و عروقی ، سرطانها، بیماریهای عصبی - روانی و بویژه سوانح و حوادث سوق دادند؛ در حالی که کشورهای در حال توسعه در طی این مدت دست به گریبان مبارزه با بیماریهای عفونی ، سوء تغذیه و شرایط نامساعد بهداشتی ناشی از فقر و بیسوادی بودند و آنچه تا این اواخر به عنوان یک مشکل و اولویت بهداشتی شناخته نمی شد ، بیماریهای غیر واگیر از جمله سوانح و حوادث بود.

در حال حاضر بیش از ۷۵ درصد موارد مرگ و میر در کشورهای پیشرفته جهان به علت بیماریهای غیر واگیر است ، در حالی که این رقم در کشورهای در حال توسعه به ۴۵ درصد می رسد.

اکنون در آستانه ورود به قرن ۲۱ در اکثر کشورهای جهان تلاش برای صنعتی شدن هر چه بیشتر، گسترش سریع جمعیت ، شهرنشینی و مهاجرت به چشم می خورد و

کشورهای صنعتی روند آن رو به کاهش نهاده است. متخصصان بهداشت عمومی این کاهش را به بهبود جاده ها، طراحی صحیح اتومبیلها، قانون محدودیت سرعت، استفاده از کمربند ایمنی، ارتقای سطح آگاهی عمومی در جهت رفتار مناسب در جاده ها نسبت داده اند. این اقدامات در کشور دانمارک منجر به کاهش مرگ و میر ناشی از حوادث به میزان ۷۰ درصد و در فرانسه و آمریکا به میزان ۶۰ درصد شده است. کارشناسان سازمان جهانی بهداشت مؤثرترین اقدام برای نجات زندگی رانندگان را استفاده از کمربند ایمنی می دانند که در بسیاری از کشورها میزان مرگ و میر را تا ۲۵ درصد و حتی بیشتر کاهش داده است. استفاده از کلاه ایمنی برای موتور سواران نیز همانند کمربند ایمنی و به مراتب بیش از آن اهمیت دارد.

بنابر گزارش منتشره در سال ۱۹۸۵، در ایالات متحده آمریکا، سالهای از دست رفته عمر به علت بیماریهای قلب و سرطان مجموعاً ۳/۸ میلیون سال بوده، در حالی که همین میزان برای صدمات ناشی از سوانح و حوادث به تنهایی ۴/۱ میلیون سال بوده است. بیش از نیمی از مرگها در سنین جوانی به علت صدمات ناشی از حوادث است که باعث از دست رفتن سالهای پرفعالیت زندگی می شود.

علاوه بر آسیبهای جانی، سالانه ۵۰۰ هزار میلیون دلار صرف هزینه های ناشی از

بررسی همه جانبه سوانح و حوادث، بسیار اهمیت دارد. براساس گزارش سازمان جهانی بهداشت سالانه حداقل ۳/۵ میلیون نفر از مردم دنیا در اثر صدمات ناشی از حوادث جان خود را از دست می دهند که از این عده، یک میلیون نفر به علت صدمات عمدی مانند: خودکشی و دیگر کشتی و ۲/۵ میلیون نفر با مرگهای غیر عمدی همچون حوادث جاده ای، خانگی، محیط کار، مدارس و میدانهای ورزشی ناشی از عللی مثل: آتش سوزی، غرق شدگی، مسمومیت، سقوط و... از میان می روند.

همچنین آمارهای منتشره از سوی سازمان جهانی بهداشت حاکی از آن است که سالانه در دنیا ۷۰۰/۰۰۰ نفر در اثر سرعت زیاد و عدم رعایت قوانین و مقررات رانندگی، با وسائلی نقلیه از قبیل موتورسیکلت، سواری، اتوبوس و کامیون در خیابانها، بزرگراهها و جاده ها دچار حادثه شده، جان خود را از دست می دهند و تخمین زده می شود که سالانه بین ۱۰ تا ۱۵ میلیون نفر دچار صدمات ناشی از حوادث می شوند. در واقع این ضایعات ناگوار بیانگر آن است که در هر ۵۰ ثانیه یک مرگ و در هر ۲ ثانیه یک صدمه ناشی از حوادث در دنیا رخ می دهد.

متأسفانه در کشورهای در حال توسعه میزان مرگ و میر ناشی از حوادث جاده ای رو به افزایش است، درحالی که در

در کشورهای توسعه یافته، اکثر موارد مسمومیت ها غیر عمدی است و کودکان قربانیان اصلی هستند. حادثه زمانی اتفاق می افتد که بچه ها حتی برای لحظه ای تنها می مانند. از جمله توصیه های مهم در امر پیشگیری از مسمومیت در کودکان، نگه داری داروها دور از دسترس کودکان است و برعکس در مورد بزرگسالان اقدام به خودکشی علت اصلی مسمومیت به شمار می رود که در کشورهای در حال توسعه زنان به مراتب بیش از مردان به توسط سم اقدام به خودکشی می کنند.

یکی از دلایل بسیار مهم در بروز حوادث عمدی و غیر عمدی اعم از جاده ای، خانگی و ناشی از کار، مسائل عصبی - روانی و انواع استرسهاست که قبل از بروز حادثه برای

مراقبتهای پزشکی و کاهش تولید می شود و اگر خسارات پرداخت شده به توسط سازمانهای بیمه را به این رقم اضافه کنیم، میزان خسارت وارده بر پیکر اقتصادی جوامع نگران کننده خواهد بود. نکته قابل توجه اینکه غالباً تصور می شود حوادث، ناشی از تقدیر و سرنوشت و شانس است و غیر قابل اجتناب می باشد، که مسلماً این طور نیست، زیرا حوادث هم قابل پیش بینی و هم قابل پیشگیری است.

به طور کلی مرگهای ناشی از حوادث بعد از بیماریهای قلبی و سرطانها در رتبه سوم قرار دارد و آمارهای سازمان جهانی بهداشت نشان می دهد که وفور حوادث به ترتیب شامل خودکشی، مسمومیت، سقوط، سوختگی، خفگی و اسلحه گرم است.



شبکه ای بهداشت و درمان کشور در کنترل بیماریهای عفونی وانگلی و کاهش بسیار تحسین انگیز این عوامل بیماری زا به عنوان علت مرگ و میر، به سبب حوادث و سوانح، بخصوص حوادث جاده ای، همه ساله عده قابل توجهی از هم میهنان، جان خود را آن هم در سنین نوجوانی وجوانی ازدست می - دهند. به برخی از آمارهای زیر توجه فرمایید:

میزان کل تصادفات درون شهری و بیرون شهری در نیمه اول سال ۱۳۷۱ جمعاً ۷۸/۶۹۳ مورد بوده است که از این میزان ۱۹۳۰ مورد مقتول و ۲۷۹۱۷ مورد مجروح داشته است.

قربانیان وجود دارد و معمولاً کمتر به آن پرداخته می شود. ثابت شده است که وجود استرس قبل از حادثه، رابطه مستقیمی با بروز آن دارد.

در بین مرگهای ناشی از حوادث، مرگهای عمدی رقم بسیار بالایی را تشکیل می دهند؛ به طوری که براساس گزارش سازمان جهانی بهداشت، میزان خودکشی و دیگر کشی ۲۸/۴ درصد و مرگهای ناشی از وسائط نقلیه ۲۳/۵ درصد کل مرگهای ناشی از حوادث را تشکیل می دهند.

و اما در باره کشور عزیزمان ایران:

بررسی علل مرگ و میر در ۲۴ شهر منتخب کشور در سال ۱۳۶۹، به توسط دفتر بررسی و تحلیل آماری معاونت پژوهشی وزارت بهداشت نشان می دهد که شایع ترین علت مرگ و میر در کشور ما بیماریهای دستگاه گردش خود بخصوص سکنه های قلبی و مغزی با ۳۸ درصد و در مرتبه دوم سوانح و حوادث با ۱۳/۵ درصد و پس از آن سرطاناتها با ۷/۷ درصد قرار گرفته است؛ در حالی که بیماریهای عفونی و انگلی با ۴/۲٪ در ردیف ششم قرار دارند. با وجودی که این گزارش یک بررسی اولیه بوده، تحقیقات بعدی در سطح کل کشور که به صورت دقیق انجام شده، ضروری است، ولی نشان دهنده این واقعیت تلخ است که با وجود موفقیت



۳۰ تا ۵۰ درصد کاهش دهیم.

از طرف دیگر مسؤولان محترم قضایی و راهنمایی نیز عمدتاً روش تنبیه وزندانی کردن افراد خاطی را مد نظر قرار داده اند که با وجود ضرورت چنین اقداماتی، مشخص شده است این روش به تنهایی نمی تواند از وقوع خشونت و حوادث جلوگیری کند و یا بروز آن را کاهش دهد، در صورتی که چنانچه نقش آموزش، مشارکت و دخالت مردم در برنامه های پیشگیری از حوادث مد نظر قرار گیرد و به مردم به طور صحیح و کافی آموزش داده شود و در این جهت بسیج گردند، می-توانند جامعه ای ایمن و سالم بسازند که شامل ایمنی از حوادث خانگی، جاده ای، کار و حتی از جرم و جنایت باشد. مؤسسات آموزشی باید متوجه باشند که نقش مهمی در امر پیشگیری از حوادث دارند. رسانه های گروهی باید در جهت آموزش مردم همکاری کنند و در طرح سیاستهای ترکیبی بین بخشی برای مهار حوادث و ایجاد ایمنی دخالت نمایند.

همچنانکه در ابتدای عرایض اشاره کردم تعدادی از کشورها برنامه های وسیعی را برای پیشگیری از بروز انواع حوادث به مرحله اجرا گذارده اند که در این راه موفق هم بوده اند.

بر اساس گزارش سازمان تأمین اجتماعی در سال ۷۰ عده ۱۹۰۹۹ نفر از کارگران بیمه شده در محیط کار دچار حادثه شده اند که از این عده ۳۳۵ نفر فوت و ۲۷۸ نفر از کار-افتادگی کلی داشته اند. در این سال جمعاً ۴۱۳/۰۳۹ روز کار برای معالجه این مصدومان تلف گردیده است که به طور مستقیم بر تولید و اقتصاد کشور ضایعات جبران ناپذیری را وارد آورده است و همچنین این سازمان برای غرامت نقص عضو و مستمری از کارافتادگی و یافوت، مبلغ ۷/۲۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال پرداخت کرده است.

از سوی دیگر هر روز که روزنامه ها را ورق می زنیم با گزارشهای تکان دهنده انواع مرگها به علت حوادث خانگی و خودکشیها و انواع مرگها به علت خشونت مواجه می شویم؛ با ذکر این نکته که انگشت شمار این حوادث در روزنامه ها درج می شود.

متأسفانه ما تا سال ۱۳۷۱ برنامه مدون کشوری که اساس آن باید برهماهنگی بین بخشی استوار باشد، برای پیشگیری حوادث و سوانح نداشته ایم و با وجود تلاش سازمانها و ارگانهای ذی ربط مرگ و میر ناشی از حوادث در کشور ما خیلی زیاد است و تردیدی وجود ندارد که با تدوین و اجرای یک برنامه کشوری با حضور فعال ارگانها و سازمانهای مربوط و همکاری مردم که آن هم خیلی مهم است، قادر خواهیم بود میزان مرگ و میر ناشی از حوادث و سوانح را بین

منتهی به توسعه، بهبود و ارتقای کیفیت زیست و جلوگیری از بروز مرگ و میر انسانها می شود، با رعایت اولویتها و هماهنگی کامل درون بخشی و بین بخشی اقدام کند. در طول این مدت با تشکیل جلسات مکرر کمیته مشورتی و کشوری متشکل از نمایندگان بیش از ۲۰ سازمان و نهاد و وزارتخانه نسبت به تهیه:

- طرح کشوری پیشگیری از سوانح سوختگی
- طرح پیشگیری از بروز حوادث ناشی از موتورسیکلت
- طرح و بررسی سوانح و حوادث در

خوشبختانه در طول ۱-۲ سال گذشته در حوزه معاونت بهداشتی وزارت بهداشت نسبت به تأسیس اداره کل مبارزه با بیماریهای غیر واگیر اقدام شد و یکی از گروههای فعال کارشناسی این اداره کل، گروه پیشگیری از سوانح و حوادث است که به منظور هماهنگیهای بین بخشی و سیاستگذاری و برنامه ریزی همه جانبه، همکاری و مشارکت نهادهای مختلف اجتماعی و بخشهای توسعه، مانند: آموزش و پرورش، صنعت، راهنمایی و رانندگی و راه و ترابری و... را می طلبد.



مدارس کشور با همکاری مستقیم وزارت آموزش و پرورش و شروع عملیات اجرایی آن در ۲۴ مدرسه در تهران بزرگ .
- اجرای طرح مطالعه اپیدمیولوژیک مرگهای ناشی از سوانح و حوادث در

وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به استناد دلایل فوق الذکر و اصول ۳، ۲۹ و ۴۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مکلف به حفظ و ارتقای بهداشت عمومی است و باید در کلیه جوانبی که

سازی نظام جمع آوری و ثبت اطلاعات صحیح و کامل در مسیر بروزحوادث تا حصول نتیجه نهایی است، که امید است اقدامات مؤثر در این زمینه صورت گیرد.

۳- لزوم بررسی قوانین و مقررات موجود در زمینه حوادث و راههای پیشگیری از آن و در صورت نیاز تدوین قوانین جدید و ارائه آن به مراجع ذی صلاح برای انجام اقدام مقتضی.

۴- توسعه پایگاههای اورژانس بخصوص با پوشش جاده های مهم کشور که در این رابطه خوشحال هستیم که اعلام نمایم در سال ۱۳۷۲، یک صد پایگاه اورژانس مجهز به تجهیزات مخابراتی و آمبولانس های جدید در ۱۰۰ نقطه کشور مورد بهره برداری قرار می گیرند و رسیدگی به مصدومان و حادثه دیدگان، بهبود چشمگیری بخصوص در جاده ها و مناطق محروم کشور خواهد یافت.

۵- خوشبختانه شبکه اورژانس کشور در تهران و کلیه شهرهای برنامه اول مورد توجه گرفته، ما هم اکنون برای پذیرش مصدومان و حادثه دیدگان در بیمارستانهای کشور مشکلاتی بمراتب کمتر از گذشته داریم و ان شاء الله تا پایان سال ۱۳۷۴، ۵۰ بخش جدید اورژانس با تجهیزات کامل در اقصا نقاط کشور مورد بهره برداری قرار می گیرد.

روستاهای کشور، اقدام کرده است که در این راستا از پیگیریها و حمایتهای مقام محترم معاونت امور بهداشتی، جناب آقای دکتر نمکی و همکارانشان تشکر و قدردانی می کنم.

از آن جا که اعتقاد ما براین است که بهداشت جزء جدایی ناپذیر توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور است و بدون مشارکت و هماهنگی بخشهای توسعه نمی توان به آن دسترسی یافت و پیشگیری از سوانح و حوادث نیز از این قاعده مستثنی نیست، بنابراین مشارکت فعالانه و گسترده کلیه ارگانها ضروری است و با عنایت به شعار سازمان جهانی بهداشت در امسال با عنوان: "قدر زندگی خود را بدانیم و با بی احتیاطی آن را به خطر نیندازیم"، زمان آن فرا رسیده است که در زمینه پیشگیری از حوادث جدیت بیشتری به خرج بدهیم. به امید آنکه در سالهای آینده در کشور عزیزمان شاهد پیشرفتهای چشمگیری در زمینه پیشگیری از سوانح و حوادث باشیم، درخاتمۀ عرایض نکات بسیار مهم زیر را یاد آوری می کنم:


۱- ضرورت انجام تحقیقات کار بردی براساس HEALTH SYSTEM RESEARCH در زمینه سوانح و حوادث برای اتخاذ سیاستهای مناسب و برنامه ریزی اصولی شدیداً احساس می شود که حتماً باید بطور جدی مورد توجه قرار گیرد.

۲- لازمه انجام این تحقیقات، بهینه

برخورد نامناسب والدین

زمینه ساز افسردگی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



تأکیدهای فراوان والدین برای انجام یک کار بخصوص ، حساسیت شدید آنها در مورد یک امر خاص و رفتارهایی از این قبیل که عامل منفی برای کودک به حساب می آیند ، موجب می شود که شخصیت کودک به سمت یک "بی-ارادگی شخصیتی" سوق داده شود .

او کند می شود واکثر اوقات
خستگی توأم با بی حالی
جسمی و اختلال در خواب و
تغذیه دارد.

نشانه های فوق ، اختلال
افسردگی را مطرح می کند که
اگر در انسان مشاهده شود،
مطمئناً کلیت حیات روانی او
را مختل می سازد، زندگی را
برای او تیره و شادکامیها را در
کام او تلخ می کند.

روشهای درمانی متعددی
برای رفع بیماری افسردگی در
کودکان و بزرگسالان وجود
دارد که در این نوشته قصد
طرح آن را نداریم. نکته ای که
اشاره آن برای والدین و مربیان
ضرورت دارد، پی بردن به علل
چنین اختلالی است. بدون
شک با شناخت دقیق علل
پدید آیی این اختلال، می توان
شیوه برخوردی را با کودک
اتخاذ کرد که بهداشت روانی را
برای او به ارمغان بیاورد.

یکی از علتهای این اختلال،
علت تجربی است که زمینه آن
در خانواده کودک مشاهده می -
شود.

افسردگی ، اختلالی است
که حد بالایی از رنج روحی را
برای شخص به همراه دارد
و همواره او را در حالت
ناخشنودی و احساس گناه نگه
می دارد. بر همین اساس است
که از لحاظ عاطفی ، شخص
احساس خود کم بینی و
استرحام (طلب رحم کردن)
دارد، انگیزه او برای هرگونه
مشارکت پایین است و در
زمینه شناختن هم اختلالاتی
در او به وجود می آید؛ از جمله
شخص دچار بی نظمی های
فکری می شود و احساس
نارضایتی و تردید می کند. در
زمینه فعالیت بدنی نیز فعالیت

اختلالات عاطفی ، از
جمله اختلالاتی است که در
طی آن ، خلق و خوی فرد به
طرز چشمگیری در هم می ریزد
و گاهی چنان تغییر می یابد که
شخص خود را در دو قطب
ظاهراً متضاد می بیند. گاهی
شاد و سرحال و به اصطلاح
شنگول است و گاهی خلق او
تنگ می شود و حوصله ای
برای فکر کردن ، برای ارتباط
برقرار کردن و برای تحرکات
بدنی ندارد. تمامی این
نشانه ها، در یک سازمان
یافتگی روانی متجلی می -
شوند که روان شناسان به آن
"افسردگی" ^۱ می گویند.

در این الگو، تقویت کننده های مثبت، به طور چشمگیری کاهش دارند و در عوض، تقویت کننده های منفی و تنبیه ها فراوانتر مشاهده می شوند. در این خانواده ها، کودک در فرایندی درگیر است که طی آن، در مقابل هر رفتار، نه تنها پاداش دریافت نمی کند، بلکه همواره مورد بازخواست و امر ونهی های والدین قرار می گیرد. امر ونهی های مفرط، تأکیدهای فراوان والدین برای انجام یک کار بخصوص، حساسیت شدید آنها در مورد یک امر خاص و رفتارهایی از این قبیل که عامل منفی برای کودک به حساب می آیند، موجب می شود که شخصیت کودک به سمت یک "بی-ارادگی شخصیتی" سوق داده شود. در این صورت، کودک بتدریج به طرف استیصال و فعل پذیری مفرط می رود. هنگامی که کودک یکسره برای هر رفتار خود مانعی را می بیند، بتدریج می -

پذیرد که بی اراده و بی لیاقت است و از لحاظ ظرفیت کفایتی، خود را فقیر احساس می کند. این امر زمینه سازمان یافتن افسردگی را در او بنامی - کند. در حقیقت، کودک چون همواره با موانع و امر و نهی های افراطی روبرو بوده است، یاد می گیرد که هر رفتاری را از خود نشان ندهد، زیرا می ترسد رفتار او تنبیه و امر ونهی والدین را در پی داشته باشد؛ امر ونهی های مفرطی که استیصال، و در نهایت، افسردگی را در او به وجود می آورد.

توصیه می شود، والدین و مربیان محترم، به کودک به عنوان یک انسان توحید یافته و دارای شخصیت منسجمی نگاه کنند که نیاز به حمایت و توجه و محبت دارد. اگر در برخورد با او، "اصل کرامت" را رعایت کنیم، هسته اصلی کودک پر بار می شود و شخصیت او قوام یافته و پویا شکل می گیرد. توجه به این امر ضروری است که والدین باید از امر ونهی های افراطی که کودک را به انزوای عاطفی

می کشاند، پرهیز کنند. آنان بایستی اجازه دهند که کودک بسیاری از فعالیتها و رفتارها را تجربه کند. گاهی با شکست مواجه شود تا بتواند ظرفیت خود را بالا ببرد و کفایت شخصی و اجتماعی مناسبی کسب نماید. مطمئناً اکرام به کودکان و عدم حساسیت شدید نسبت به رفتار آنان، حتی اگر رفتار ظاهراً شیطنت - آمیز و شلوغ داشته باشند، آنها را از اختلال افسردگی دور خواهد کرد و از لحاظ شناختی - عاطفی نیز آنان را با خودپنداری قوی و اعتماد به نفس بالایی، تربیت خواهد نمود.

در مجموع، اصل تربیتی زیر نتیجه می شود که:

شایسته است رفتار مناسب کودک خود را تقویت کنیم، اما او را در مقابل هر رفتار نامناسب، براحتی تنبیه نماییم.

گرفت. اکنون ادامه مقاله از نظر خوانندگان
گرامی می‌گذرد.

در شماره قبل بیماری صرع و انواع
حملات صرعی مورد بحث و بررسی قرار

اختلالات روانی - رفتاری شایع

در دانش آموزان مدارس تهران

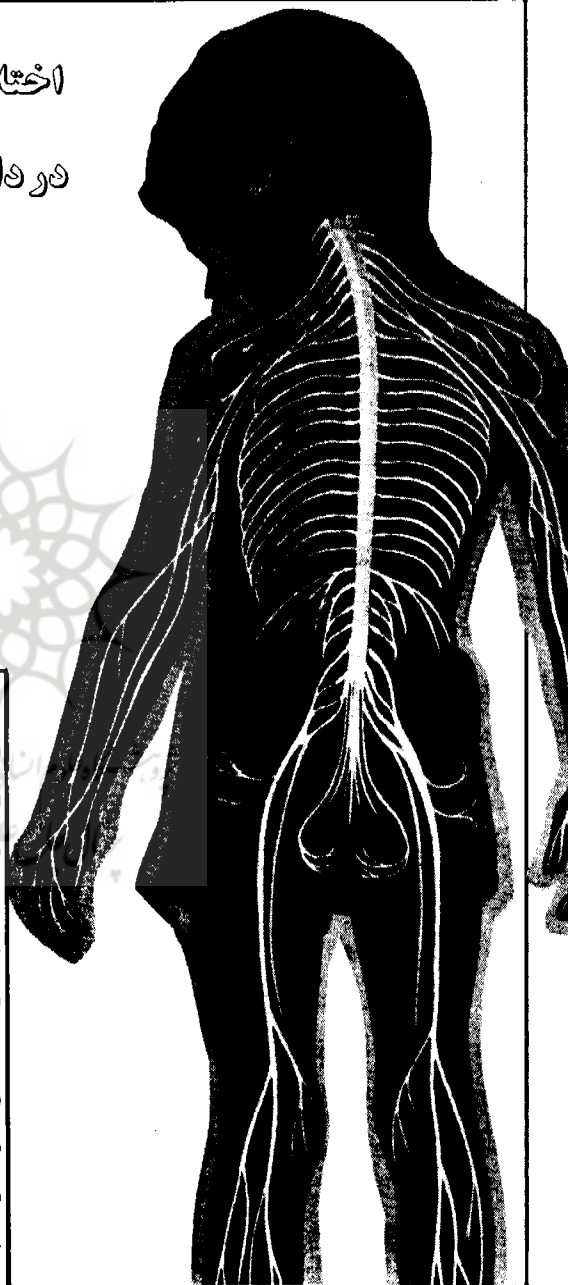
صرع

مجتبی احسان منش

سن شروع بیماری

گفته شده است که یک سوم ثانیمی
از تمامی افراد مبتلا به صرع از دوران کودکی
این ناراحتی را داشته‌اند. در اینجا مقصود از
دوران کودکی دو سال اول زندگی است.

یکی از پژوهشگران^۱ بر اساس بررسیهای
خود در این باره، سه شکل نحوه به
وجود آمدن این بیماری را عنوان نموده است:
۱ - حملاتی که در نوزادی شروع می‌شود
و به دنبال یک دوره طولانی مدت وقفه، تکرار
می‌گردد. این دوره وقفه در افراد مختلف،
متفاوت است. گفته می‌شود که مشکلات
عاطفی می‌تواند بازگشت بیماری را تسریع



در چگونگی هوش تأییراتی به جا بگذارد . همچنین می تواند مسوءول شکلهای معینی از رفتار باشد. اگر کودک دارای هوش کافی برای درک مشکلات مربوط باشد، حملات صرعی می تواند تأییرات قاطعی برنگرش و اشتغال خاطرهای او به جای بگذارد . وجود حملات ممکن است وی رادر خانه ومدرسه در وضعی غیرعادی قراردهد. ممکن است یادبگیرد که همیشه از بروز ناگهانی تشنج در انتظار عموم ، درکلاس درس و پیش همبازیهای خود، در وحشت شدید به سربرد . حملات مکررمی تواند غیبتهای پی درپی رادرمدرسه به دنبال داشته باشد. ممکن است تحت تأییرداستانهایی درمورد بیمارستان یا مرگ خویشاوندان مبتلابه صرع یا افراددیگر قرارگیرد. این امرممکن است سبب پیدایی این فکرگردد که وی بادیگر کودکان فرق داردواز تماس با خویشان خودداری نماید. ممکن است یادبگیرد که ازبیماری اش به عنوان وسیله ای برای کسب امتیازاستفاده کند که درصورت نبود این حملات به دست آوردن آن میسرنبود . کودکان دیگر ممکن است وی رابا عباراتی چون "دیوانه" ، "احمق" و "غشی" مورد خطاب قراردهند. این امرنیز می تواندکودک راحساس ومتوجه خود کند، و یا او را بشدت ستیزه جو پرخاشگرنماید. معمولا" والدین نگران این شرایط هستند و شیوه های تربیتی خاصی

کند. معمولا" درنخستین یادومین سال زندگی یک حمله اتفاق می افتد. در بسیاری مواردبازگشت حملات درهفتمین سال زندگی یعنی همزمان بانخستین سال ورود به دبستان بروزمی کند. عقیده براین است که حدود $\frac{1}{4}$ کودکان مبتلا به بیماری صرع باقرارگرفتن درشرایط استرس زای محیطی، دچار حمله صرعی می شوند. امتحانات درسی ومشاجرات خانوادگی رازجمله این شرایط دانسته اند.

گروهی ازاین کودکان اغلب مشکلات شخصیتی، بویژه بی ثباتی هیجانی، عصبانیت های شدید، تحریک پذیری ویی - قراری دارند و وحشتهای شبانه نیزآنان را رنج می دهد.

۲ - حملاتی که درنوزادی شروع می شود وبدون وقفه تادوران کودکی ادامه می یابد. دوره ، شدت و ماهیت این حملات متفاوت است . حملات صرع بزرگ ممکن است خفیف تر و یا شدیدتر شود ونیز ممکن است با حملات صرع کوچک همراه گردد و یا جایگزین آن شود . تعداد حملات می تواند افزایش ویاکاهش یابد.

۳ - حملاتی که درپایان دوران کودکی شروع می شود ویاپس ازیک دوره چندین ساله سلامت کامل اتفاق می افتد.

ازنظرشخصیتی، هم کودکان مبتلابه صرع وهم خانواده های آنها مستعد واکنشهای مختلف نسبت به بیماری هستند. این واکنشهایی تواند درروند رشد کودک، بویژه

آرامش داشته باشد. کودکی باشد پذیرفته شده، تحت فشار و یا مورد غفلت واقع گردیده.

صدمات و ضایعات مغزی نیز از دیگر علل ابتلا به بیماری صرع است.

بعضی تحقیقات نشان داده است که برخی عوامل شخصیتی سبب مستعد شدن فرد برای بیماری صرع می شود. شواهد نشان می دهد که نسبت مطابقت بیماری صرع در کودکان دوقلوی یک تخمکی بیش از کودکان دوقلوی دو تخمکی است؛ و اینکه بیماری صرع در اعضای خانواده فرد مصروع بسیار بیش از اعضای خانواده افراد غیر مصروع است. (شوگر^۲ و دجوگ^۳ ۱۹۷۲).

درمان

درمان دارویی: داروهای چندی به منظور درمان و کنترل صرع پیشنهاد شده است از جمله: برومیدها^۴، فنوباری تال^۵، دیلاتین^۶، مزانتیون^۷، مایزولین^۸ و بنزدرین سولفات^۹ مشهورتر از دیگر داروها هستند و هر کدام مورد مصرف خاص خود را دارد. در درمان دارویی باید به نکات زیر توجه داشت:

- ۱ - به محض اینکه تشخیص صرع قطعی شد، درمان را هر چه زودتر باید شروع کرد.
- ۲ - بعضی از داروهای ضد تشنج در بعضی از شکلهای بیماری بیشتر موثر واقع می شود. از این رو شایسته است هر دارو

را باوی درپیش می گیرند و از او به عنوان یک کودک مریض "شسیداً" حمایت می کنند. شاید او را تحت تأثیر ارواح خبیثه بدانند و روشهای سنتی درمان صرع را بروی تحمیل کنند.

سبب شناسی

گفته شده که توارث نقش مهمی در سبب شناسی صرع دارد. همچنین عوامل هیجانی - عاطفی نیز دارای تأثیر زیادی است. صرع به عنوان یک بیماری مزمن، در زمینه سازگاری عاطفی مشکلاتی را به وجود می آورد. کودک با مشکلات زیادی روبرو می شود. ارزیابی خود بیمار از حملات، نگرش خانواده در قبال آن، اثرات بیماری بر درس و مدرسه و همسن و سالان، مراجعات مکرر به پزشک یا درمانگاه، مصرف دراز مدت دارو، بازداشتن او از شرکت در فعالیتهایی که برای دیگر کودکان مجاز است، این احساس که با دیگران تفاوت دارد و رفتاری متفاوت از دیگران باوی دارند، سبب می شود که کودک همیشه در حال سازگار شدن و سازگاری مجدد باشد؛ مشکلاتی که کودکان غیر بیمار با آن روبرو نیستند.

باید دانست که کودک مبتلا به صرع بر اساس طرز تلقی پدر و مادر و اطرافیان می تواند احساس امنیت یا عدم امنیت، خشنودی یا ناخشنودی، احساس تنش یا

ذهن خود دور کنند. طرز تلقی پدر و مادر از کودک مبتلا به صرع، باید همانند طرز تلقی آنها از دیگر کودکان غیر بیمار باشد. برای این کودکان باید فرصتهای یکسانی برای حل مشکلات و تعارضاتشان در نظر گرفت.

سازگاری کودک در مدرسه بستگی تام و تمامی به توانمندیهای هوشی وی، تعداد حملات، زمان و محل وقوع حملات و حال عمومی او دارد. هرگز نباید تحصیل در مدرسه را همانند دیگر کودکان و برای تواناییهای کودک به وی تحمیل کرد. همچنین نباید امکانات آموزشی قابل دسترس دیگر کودکان را از وی مضایقه نمود.

بسیاری از کودکان مبتلا به صرع هرگز در مدرسه حمله ای ندارند. حملات صرعی خفیف که به صورت خیره شدن رخ می-دهد، حتی در کلاس درس نیز از چشم دیگر همکلاسیها پنهان می ماند. اگر حملات صرع بزرگ در کلاس درس یا فواصل کلاسها اتفاق می افتد، پس بنا به ملاحظه دیگر کودکان ایجاب می کند تدابیر مقتضی را برای حل مشکل در پیش گرفت.

در اجتماعات پیشرفته تر، اگر امکانات لازم فراهم باشد، برای این کودکان آموزش خصوصی در خانه و به توسط آموزگار خصوصی را پیشنهاد می کنند، و یا ترتیبی اتخاذ می نمایند که در ساعات مشخصی

برای نوع خاصی از بیماری که موفق تر بوده است، به کار گرفته شود.

۳ - درمان را باید با یک دارو شروع کرد. مقدار مصرف دارو را باید تا آنجا ادامه داد تا تشنجات قابل کنترل گردد و به بالاترین مقدار قابل تجویز برسد.

۴ - مقدار مناسب داروی ضد تشنج در بیماران مختلف فرق می کند.

۵ - مصرف دارو باید برای مدت زمان طولانی ادامه یابد.

۶ - قطع داروهای ضد تشنج باید بسیار تدریجی صورت گیرد.

۷ - معاینات بالینی دوره ای و آزمایش حداقل ماهانه خون ضروری است و با بروز نشانه های اختلالات خونی فوراً باید به کاهش مقدار مصرف دارو اقدام نمود.

واقعیت این است که کودک اغلب اقدامات درمانی، مراجعات مکرر به پزشک، حمایتیهای زیاد از حد، محدود شدنهای فراوان، زیر نظر بودنهای همیشگی خود به توسط والدین مضطرب را اقداماتی معما آمیز تلقی می کند و این احساس در او به وجود می آید که ممکن است چیزی مرموز و سرنوی در جریسان باشد و اینکه وی مجبور است بیماری اش را در تمام عمر برای دیگران کشف نشده و پوشیده باقی بگذارد. اما راه درست آن است که خانواده بیماری فرزندشان را به عنوان یک واقعیت طبیعی بپذیرند و سوء تفاهمات زیان آوری را که در طول قرنها روی هم انباشته شده است از

نیست، یا شغل وی تغییر داده می شود و یا انجام کاری را به وی واگذار نمی کنند. کارهای نظارت شده در مزارع می تواند شغل‌های خوبی برای این افراد تلقی شود، زیرا خطر زیادی به همراه ندارد و از سوی دیگر زندگی ساده و آرام مناطق روستایی فشار روانی زیادی را به آنها تحمیل نمی کند. زمانی که یک ضایعه عضوی مغز سبب بروز بیماری می گردد، جراحی مغز یکی از راه‌هایی است که می تواند از شدت مشکل بکاهد. باید کوشید تا آنجا که ممکن است مشکلات جسمی و محیطی این کودکان را بهبود بخشید و سازگاری روانی و محیطی آنها را به سطح مطلوب رسانید.

آموزگار به خانه آنها مراجعه کند. البته این راه حل بار مالی اضافه‌ای را به خانواده تحمیل می کند، اما راه حل خوبی است. این کودکان باید برای حرفه های ویژه‌ای آموزش ببینند که متناسب با تواناییهای هوشی آنها باشد و در عین حال خطری برای آنها نداشته باشد. باید اعتراف کرد که کودکان خانواده های طبقات متوسط و طبقات کم درآمدی که امکان استفاده از آموزشهای مناسب را ندارند و از مهارتهای اجتماعی و فنی لازم برخوردار نیستند در برخورد با حرفه هایی که توان انجام آن را ندارند، عملاً "ایجاد مشکل می کنند، در حالی که در خانواده های مرفه، کسب درآمد و تأمین معاش مشکلی به شمار نمی آید، از این رو به محض آنکه تشخیص داده شد کساری مناسب برای فرد بیمار

پاورقیها:

- 1-Birk
- 2-Sugar
- 3-Dejoug
- 4-Bromide
- 5- Phenobarbital
- 6 - Dilantin
- 7 - Mesantoin
- 8 - Mysoline
- 9 - Bazedrine Sulfate

منابع:

- پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی
- 1- KANNER , LEO , CHILD PSYCHIATRY , CHARLES C. THOMAS PUBLISHERS , ILLINOIS , 1972.
 - 2 - KAPLAN HAROLD , SADOCK , BENJAMIN J., SYNOPSIS OF PSYCHIATRY , BEHAVIORAL SCIENCES CLINICAL PSYCHIATRY, WILLIAMS & WILKINS , BALTIMORE , 1988.
 - 3 - SUE , DAVID , SUE , DERALD , SUE STAMLEY , UNDERSTANDING ABNORMAL BEHAVIOR THIRD EDITION HOUGHTON MIFFLIN COMPANY , 1990 .

تأثیرات ویتامین A

در بقا و ادامهٔ حیات

کودکان

ترجمه از: ناهیدالملوک مقدم بنائم

مربوط به آن از دست می‌دهند. علاوه بر این تخلیه ذخایر ویتامین A در بدن منجر به تخریب قرنیه چشم و به دنبال آن کوری خواهد شد.

عفونتهای حاد دستگاه تنفسی و اسهال

براساس مطالعاتی که در اندونزی انجام شده است، به این نتیجه رسیده‌اند که در کودکانی که ذخیره ویتامین A در بدنشان نسبتاً کم می‌باشد میزان شیوع بیماریهای حاد دستگاه تنفسی و اسهال ۲ تا ۳ برابر بیشتر از دیگران است. همچنین این مطالعات نشان می‌دهند که کودکان مبتلا به این بیماریها بیشتر از سایرین در معرض کمبود ویتامین A و ابتلا به گزروفتالمی

تحقیقاتی که در این زمینه انجام شده است نشان می‌دهد که ارتباط نزدیکی بین مقیدار ویتامین A در بدن و سه بیماری سرخک، عفونتهای حاد دستگاه تنفسی و اسهال که عامل مرگومیر کودکان هستند، وجود دارد.

سرخک

بیماری سرخک شدیداً باعث تخلیه ذخایر ویتامین A در بدن می‌شود. کودکی که از این بیماری جان سالم به در می‌برد، در برابر ابتلا به بیماریهایی مثل پنومونی، اسهال و گزروفتالمی مقاومت بسیار کمی دارد. میلیونها کودک در سال جان خود را بر اثر ابتلا به بیماریهایی مثل سرخک و عوارض ثانوی

توانایی مقاومت در برابر عفونتها را از دست بدهند .

بینایی یکی دیگر از اعمالی است که نقش ویتامین A در آن بسیار مهم است. قدرت دید ما در تاریکی به وجود ویتامین A بستگی دارد. از علائم اولیه کمبود این ویتامین شب‌کوری است. این ویتامین همچنین از سطوح پوششی (بافت پوششی) چشم نیز محافظت می‌کند. کودکانی که هر سال به علت آسیب قرنیه کور می‌شوند از رژیم غذایی فقیر از ویتامین A استفاده می‌کنند .

ارتباط بین ویتامین A و نظام ایمنی بدن به وضوح به اثبات رسیده‌است. نقش ویژه ویتامین A در بالابردن قدرت دفاعی بدن از موضوعات جالب در تحقیقات اخیر بوده است .

کودکان برای رشد و نمو طبیعی به ویتامین A احتیاج دارند. کمبود ویتامین باعث اختلال در رشد استخوانها شده، همچنین براشتهای کودک نیز تاءثیر می‌گذارد و باعث کاهش غذای دریافتی می‌گردد .

چه عواملی کمبود ویتامین A در بدن راسبب می‌شوند؟

علت اصلی کمبود ویتامین A در بدن، نقصان آن در رژیم غذایی روزانه است. گرانسی و فصلی بودن بعضی میوه‌ها و سبزیها و همچنین عادات غذایی محلی نیز در کمبود این ویتامین در رژیم غذایی روزانه موثر هستند. بیماریهای دوران کودکی نیز به کمبود ویتامین A منجر می‌شوند، سوء تغذیه، سرخک، بیماریهای انگلی و سایر بیماریها می‌توانند در جذب ویتامین A

هستند. تاءثیر متقابل کمبود ویتامین A و ابتلا به بیماریها بر یکدیگر، طفل را در چرخه کم-سلامتی قرار می‌دهد .

چه غذاهایی دارای ویتامین A هستند؟

غذاهایی که منشاء حیوانی دارند از غنی‌ترین منابع تاءمین کننده ویتامین A به شمار می‌آیند، مانند جگر، گوشت، تخم مرغ و لبنیات. البته در کشورهای در حال توسعه غالباً دسترسی به مواد غذایی ذکر شده دشوار و غیر ممکن است. ویتامین A در گیاهان نیز به وفور یافت می‌شود. بهترین منابع گیاهی ویتامین A عبارتند از سبزیهای با برگ سبزینه، اسفناج، میوه‌های زرد یا نارنجی رنگ مانند هویج، کلم و گوجه‌فرنگی .

شیرمادر از مهمترین منابع تاءمین مواد غذایی برای نوزادان و اطفال شیرخوار است . کیفیت شیرمادر از این نظر بستگی به تغذیه او و مصرف غذاهای سرشار از ویتامین A دارد . برای جذب و انتقال ویتامین A بایستی بسدن به مقدار کافی پروتئین و چربی در اختیار داشته باشد که آن هم از طریق رژیم غذایی تاءمین می‌گردد .

چرا ما به ویتامین A احتیاج داریم؟

ویتامین A اعمال گوناگونی را در بدن انجام می‌دهد. به عنوان مثال برای آتکه سلولهای آستریوشی معده و دستگاه تنفسی از سلامت و رطوبت کافی برخوردار باشند به ویتامین A نیاز دارند. همچنین فقدان ویتامین A در بدن باعث می‌شود که این نواحی

اختلالاتی ایجاد کنند که باعث تخلیه ذخایر بدن از این ویتامین می‌شود.

اقدامات مؤثر در کمبود ویتامین A

کمبود ویتامین A قابل پیشگیری و کنترل است. کنترل این کمبود در کوتاه مدت از طریق مصرف کپسول ویتامین A و در درازمدت به توسط آموزش تغذیه و اصلاح رژیم غذایی مردم امکان پذیر است. با استفاده از روشهای فوق می‌توان با کمبود ویتامین A مبارزه کرد. این دو اصل همچنین می‌توانند در پیشبرد عملیات مربوط به مراقبتهای اولیه بهداشتی مؤثر باشند.

کپسولهای مکمل خوراکی

کپسولهای حاوی ویتامین A در دوزهای بالا (۲۰۰/۰۰۰) یک محلول مناسب مقرون به صرفه از نظر اقتصادی بوده، به علاوه سریع‌الاثرب هستند. برای معالجه کودکان مبتلا به گزروفتمی WHO (سازمان بهداشتی جهانی) ابتداء درمان دوازده با کپسول ۲۰۰/۰۰۰ (هر روز یک عدد) و یک بار هم بعد از ۴ هفته را توصیه می‌کند. برای کودکان مبتلا به سرخک، سوء تغذیه شدید ناشی از کمبود پروتئین - انرژی، اسهال حاد یا مزمن، عفونتهای حاد قسمتهای زیرین دستگاه تنفسی نیز یک کپسول مطابق دستور فوق توصیه شده است. WHO همچنین برای کلیه کودکانی که در سنین ۳ تا ۶ ساله هستند یک روز پیشگیری، هر ۳ تا ۶ ماه یک بار را توصیه می‌کند.

آموزش تغذیه

چگونگی انتشار

میلیونها کودک همه‌ساله در کشورهای در حال توسعه خصوصا "در افریقا و آسیا از عواقب وخیم کمبود ویتامین A رنج می‌برند.

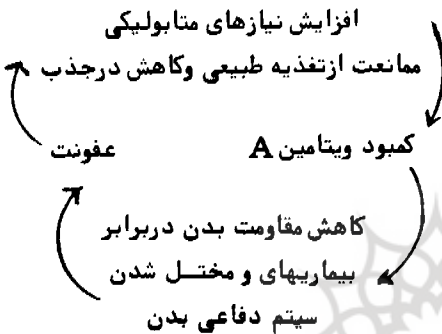
چه کسانی بیشتر در معرض کمبود ویتامین A هستند؟

کودکان بین سنین ۶ ماهگی تا ۶ سالگی از آسیب‌پذیرترین گروهها هستند. دوره‌های شیرگرفتن طفل از نظر ابتلای او به کمبود ویتامین A بسیار مهم است. زنان در سنین باروری نیز از گروههای آسیب‌پذیر به شمار می‌آیند. میزان ویتامین A از نظر ذخیره و مقدار آن در سرم خون نیز در طول دوره بارداری و شیردهی تأثیر مستقیم بر اطفال آنها می‌گذارد.

ارتباط بین ویتامین A و کوری ناشی از سوء تغذیه

گزروفتمی اصطلاحی است که از طریق آن علائم چشمی مربوط به کمبود ویتامین A بیان می‌گردد و یکی از علل کوریهای قابل پیشگیری در کشورهای در حال توسعه است. خشکی ملتحمه و لکه بیتوت و زخمهای کف آلود قرنیه که درمان آن معالجه سخت و فوری لازم دارد از دیگر علائم محسوب می‌شوند. مطالعات اخیر نشان داده‌اند که این نشانه‌ها به سرعت پیشرفت کرده، فاصله زمانی چندانی در وقوع آنها دیده نمی‌شود.

در هنگام وقوع بلایا مثل خشکسالی یا جنگ مردم در معرض خطر کمبود ویتامین A قرار می‌گیرند. در این گونه مواقع مقدار غذا محدود شده، کفاف نیازهای تغذیه‌ای مردم رانمی‌کند. در چنین شرایطی احتمال ابتلا به سرخک، سوءتغذیه، اسهال و عفونت‌های حاد تنفسی افزایش می‌یابد. در چنین شرایطی توزیع کپسول ویتامین A به همراه تقویت غذاها ضروری است.



گروه‌های در معرض کمبود ویتامین A

- کودکان از سن ۶ ماه تا ۶ سال
- خانم‌های حامله یا زنان شیرده
- گروه‌های آسیب پذیری که بیشتر در معرض کمبود ویتامین A هستند:
- کودکان مبتلا به سرخک
- کودکان مبتلا به گزروفنالمی
- کودکان مبتلا به سوءتغذیه ناشی از کمبود پروتئین - انرژی یا (P.E.M)
- کودکان مبتلا به اسهال حاد یا مزمن
- کودکان مبتلا به عفونت‌های حاد قسمتهای زیرین دستگاه تنفسی.

۳ هدف اصلی آموزش تغذیه عبارتند از: بالا بردن سطح آگاهیهای مردم در زمینه کمبود ویتامین A به منظور شناسایی غذاهای محلی غنی از ویتامین A و افزایش مصرف این نوع غذاها در رژیم‌های غذایی روزانه.

با توسعه سایر فاکتورهای حیاتی کودکان مانند تغذیه نوزاد با شیر مادر، درمان با میکروولیتها و اکسیناسیون نیز می‌توان از شیوع کمبود ویتامین A پیشگیری کرد.

کاشتن سبزیها و میوهها

هدف از این برنامه، تشویق مردم به کاشتن میوهها و سبزیهایی است که از نظر ویتامین و سایر مواد مغذی غنی هستند. این میوهها و سبزیها باعث تثبیت عادات غذایی و اصلاح رژیم غذایی می‌شوند. کاشتن سبزیها و میوهها که اقدامی عملی و ارزان است، در سطح خانه، مدرسه و جامعه می‌تواند انجام گیرد.

تقویت ماده غذایی

یکی از اهداف پیشگیری، در کشورهای در حال توسعه، مانند کشورهای توسعه یافته تقویت غذاهای معمولی با ویتامین A است. برنامه ملی تقویت شکر با ویتامین A در گواتمالا و همزمان با این برنامه در کشورهای فیلیپین و اندونزی و افزودن منوسدیم گلوتامات به غذاها نشان داد که تقویت غذاها عملی بسیار مفید بوده است.

شرایط و موقعیت های بروز کمبود ویتامین A

۴ پیام تغذیه‌ای برای سلامت و اصلاح رژیم غذایی

نمک کمتر بخورید	چربی کمتر بخورید	فیبر بیشتر بخورید
اگر قبلاً "به غذا نمک اضافه شده است، احتیاجی نیست دوباره به آن نمک اضافه کنید.	اسیدهای چرب مقدار کلسترول خون را افزایش می‌دهند و این منجر به بیماریهای قلبی می‌شود.	غذاهایی که حاوی فیبر زیاد هستند، دارای خاصیت سیرکنندگی سریع بوده، چاق کننده هم نیستند مانند: سیب زمینی آب پز یا کبابی (بهتر است با پوست مصرف شود)، برنج (ترجیحاً "قهوه‌ای یا سبوس دار)، حبوبات مثل لوبیا قرمز و انواع نخودها، غلات با سبوس، درت، آجیل خام بدون نمک (مثل فندق، پسته و...)، هویج، سیب، موز و پرتقال.
قند کمتر بخورید	غذاهای چرب عبارتند از: گوشت چربی دار، سویس، ها، گوشت قرمز (هنگام تهیه گوشت، چربی آن را بگیرید یا بدون چربی آن را سرخ کنید)، چیپس، کره، خامه، شیرینی چربی، پنیر پرچربی.	
قند برای دندانهای شما خوب نیست و همچنین وزن شما را افزایش می‌دهد. مواد قندی مثل: قند، شکر، عسل، مربا، شربت غلیظ، شکلات و شیرینی.		

بقیه از صفحه ۳۹ پی نوشتها: دانشگاه تهران، صفحه ۵۷.

- ۱ - میالا ره، گاستون، (۱۳۷۰) معنی و حدود علوم تربیتی، ترجمه علی محمد کاردان، تهران، دانشگاه تهران. چاپ اول، صفحه ۶۹
 - ۲ - مؤلف کتاب " روان شناسی برای آموزش " نیز به این موضوع اشاره کرده و آورده است: تدریس عملی است متشکل از سه فرایند: تشخیص اهداف، به کارگیری روشها و ارزیابی اثر بخشی این روشها.
 - 3-J. PIAGET.
 - ۴ - پیازه، ژان، (۱۳۶۴)، تربیت به کجا ره می سپرد؟، ترجمه م، منصور و پ، دادستان، تهران،
- 5 - منظور تغییرات اساسی در رفتار یادگیرنده است.
- 6- EVALUATION
- 7- سیف، علی اکبر، (۱۳۷۰)، روان شناسی پرورشی (روان شناسی یادگیری و آموزش)، تهران، انتشارات آگاه، چاپ پنجم، صفحه ۶۰۶.
- 8 - FORMATIVE EVALUATION
- 9 - SUMMATIVE EVALUATION
- 10- JOURNAL OF EDUCATIONAL LEADERSHIP, ACCD ,V. 99, N.7, P.25, 1990.

انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران

واحد انتشارات
"نشریه پیوند"

پیوندمان را با "نشریه پیوند" بیشتر کنیم.

پیوند حاصل دیدگاههای تربیتی جمعی از استادان و صاحب نظران تعلیم و تربیت و مربیان معجز کشور است.

پیوند با بهره گیری از تعالیم عالیه مکتب اسلام، حاوی مهمترین مباحث آموزشی، روشهای تربیتی و یافته های روان شناسی و علوم تربیتی است.

برای این که همراه پیوند تقدیم حضورتان بشود، لطفاً برگ اشتراک زیر را تکمیل کنید و به دفتر نشریه پیوند ارسال فرمایید.

انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران

تقاضای اشتراک مجله آموزش و تربیتی پیوند



شماره ۶۴۶۸۷۷۰

نام و نام خانوادگی: _____
شماره شناسنامه: _____
سناسی: استان: _____ شهر: _____
کد پستی: _____
میزان تحصیلات: _____ سن: _____
تلفن: _____
ناربخ: _____
امضاء: _____

منقاصی اشتراک جدید منقاصی تجدید اشتراک

لطفاً مبلغ ۲۰۰۰ ریال برای اشتراک یکساله پیوند (۱۲ شماره) به حساب ۸۰۴ بانک صادرات شعبه ۱۰۴۳ خیابان فلسطین، واریز نموده، رسید آن را همراه با این برگ به نشانی تهران، خیابان انقلاب، خیابان فخررازی، نبش سزاوار، پلاک ۷۴ دفتر نشریه پیوند و یا صندوق پستی ۱۶۳۷ - ۱۳۱۸۵ ارسال فرمایید.

تلفن دفتر مجله: ۶۴۶۸۷۷۰ - ۶۴۰۷۱۱۶

* در صورت تغییر آدرس سریعاً دفتر مجله را مطلع فرمایید.

زینب سر دکتر افروز



تذکر مهم: برای این که مشاوران پیوند توفیق بیشتری داشته باشند تا به سؤالات شما در زمینه مشکلات تربیتی و آموزشی پاسخ بدهند، خواهشمند است مسائل مورد نظر خودتان را به صورت مختصر و در عین حال کاملاً روشن بنویسید. زمانی که در مورد فرزندان مسأله‌ای را مطرح می‌کنید، حتماً مشخصات کامل وی را شرح دهید. ضمناً لازم به یاد آوری است که طرح مسائلی که از اهمیت بیشتری برخوردار بوده، عمومیت دارند، در اولویت خواهد بود. بدیهی است پاسخهای ارائه شده هرگز نمی‌تواند کامل و جامع باشد، لذا عنداللزوم باید در زمینه حل یک مسأله مطالعه و مشاوره بیشتری انجام شود.

خانم محبوبه نکویی از اصفهان :

باسلام و تشکر از راهنماییهای ارزنده نشریه پیوند. اینجانب دارای دو فرزند دختر و پسر هستم. پسرم امسال سال سوم راهنمایی است و چند ماهی است که در خانه ما مباحث فراوانی در مورد نحوه ادامه تحصیل ایشان مطرح است. همسرم اصرار دارد که پسرمان در رشته علوم تجربی ادامه تحصیل دهد، ولی من و خودم به نظام جدید بیشتر فکر می کنیم. به نظر من از آنجا که همسرم اطلاع دقیقی نسبت به چگونگی برنامه های دبیرستانهای نظام جدید ندارد، خیلی به ادامه تحصیل فرزندمان در این دوره علاقه مند نیست.

خواهشمندم اطلاعات دقیق تری از نظام جدید آموزش متوسطه در اختیار ما بگذارید و نظر خودتان را نیز اعلام فرمایید.

خواهر محترم خانم نکویی

شما هم سلام مارا پذیرا باشید. در مورد ویژگیهای نظام جدید آموزش متوسطه تاکنون اطلاعات جامعی از طریق رسانه های گروهی در اختیار مردم قرار گرفته است، همچنین در مدارس نیز دانش آموزان دوره راهنمایی در جریان کامل کیفیت برنامه های آموزشی نظام جدید قرار می گیرند. اولاً باید توجه داشته باشید که در انتخاب یک رشته تحصیلی بیش از هر چیز دیگر،

عواملی از قبیل آگاهی کامل از آن رشته، ویژگیهای شاغلان آن رشته، نیاز فعلی و آتی جامعه به فارغ التحصیلان یک رشته خاص، امکانات موجود، توانمندیها و استعداد خاص دانش آموز و سرانجام علاقه مندی وانگیزه دانش آموز و نگرش مثبت و تشویق گر خانواده دخیل است.

نظام جدید آموزش متوسطه عمدتاً برای تأمین نیازهای واقعی جامعه طراحی گردیده است. در این نظام دانش آموزان در شاخه های نظری، فنی و حرفه ای و کار و دانش ادامه تحصیل می دهند. در سال اول تحصیلی همه دانش آموزان دروس مشترکی را می گذرانند و سال بعد در یکی از شاخه ها ادامه تحصیل می دهند.

نکته قابل توجه این است که در نظام جدید دروس به شیوه واحدی ارائه می شود و هر سال تحصیلی شامل دو نیمسال است و در صورت امکان یک ترم فشرده تابستانی نیز برقرار می گردد.

هر درس دارای ارزش مستقلى است و اگر شاگردی در امتحانات پایان ترم یا نیمسال تحصیلی در یک یا چند درس نمره قبولی کسب نکند، مجبور نخواهد بود که کل دوره را دوباره تکرار کند، بلکه در نیمسال بعد ضمن ثبت نام در دروس مختلف درسهای تجدیدی را نیز می گذرانند. طول تحصیل برای نیل به دیپلم متوسطه نیز سه سال است. لازم است برای کسب اطلاعات بیشتر به

شما نسبت به مجله خودتان (پیوند) سپاسگزاریم. مسأله ای که شما مطرح فرموده‌اید موضوع بسیار مهم و حساسی است. تاکنون در این ارتباط مقالات متنوعی در پیوند به چاپ رسیده است. در یکی از انتشارات انجمن اولیاء و مربیان نیز بحث مبسوطی پیرامون "روشهای پرورش احساس مذهبی در کودکان و نوجوانان" مطرح شده است که ان شاء الله شما فرصت مطالعه آنها را داشته‌اید.

اما، به طور خلاصه توجه شما را به نکات زیر جلب می‌نماید:

اصولاً همه کودکان فطرتاً کنجکاو و خداجو هستند و تبلور رفتار مذهبی در ایشان مستلزم اعمال روش صحیح است. برای اینکه در خانواده مذهبی شما فرزندان علاقه‌مند به پوشش اسلامی بشود، همواره سعی کنید:

۱- در ارتباط با او از یک رابطه عاطفی و منطقی برخوردار باشید. از هرگونه تهدید و تحقیر شخصیت او بپرهیزید.

۲- وقتی رفتار شما با او کاملاً محبت‌آمیز شد و شما در ارتباطتان با او از یک ثبات عاطفی برخوردار شدید، علاقه‌مند و کنجکاو می‌شود، زمانی که وی نسبت به رفتار شما کنجکاو شد، به نگاه شما، گویش شما، لباس شما و... دقیق شد، سعی می‌-

کند همانند سازی نموده، نه تنها به حجاب علاقه‌مند شود، بلکه آنچنان رفتاری را پیشه

یکی از دبیرستانهای شهرتان که نظام جدید آموزش متوسطه در آن اجرا می‌شود، مراجعه فرمایید.

خانم م، تقوی از تهران:

باسلام و تشکر بسیار فراوان از زحمات مسؤولان نشریه وزین پیوند به استحضارتان می‌رسانم که اینجانب خانه دار و دارای دو فرزند ۱۵ ساله و ۱۷ ساله پسر و یک دختر ۷ ساله هستم. همسرم نیز در سمت مدیریت یکی از نهادهای دولتی مشغول خدمت است. خانواده ما خانواده ای مذهبی است. خودم و همسرم سعی داریم کاملاً مسؤولانه و متعهدانه کلیه احکام و فرایض مذهبی را انجام داده و رعایت کنیم. دو پسرمان که در دبیرستان مشغول هستند، با علاقه و آگاهی نماز می‌خوانند و ما نیز از رفتار ایشان راضی هستیم. اما مسأله ای که سبب شد این نامه را بنویسم عدم رغبت دخترم نسبت به حجاب است. تاکنون هرچه سعی کرده‌ام در او علاقه و اشتیاقی نسبت به پوشش اسلامی ایجاد کنم، خیلی موفق نبوده‌ام. در عرض در بسیاری از موارد او را علاقه‌مند به آرایش و خودآرایی نیز دیده‌ام. لطفاً در این زمینه ما را راهنمایی فرمایید.

خواهر محترم خانم تقوی

شما هم سلام مارا پذیرا باشید. از التفات

اسلامی برخوردارید و فرزندان همراه شماست، سعی کنید بیشترین رفتار محبت آمیز را داشته باشید.

۵ - هر وقت که فرزند خردسال شما برای دقایقی هم که شده روسری یا مقنعه زیبا و خوشرنگی را به سر کرد، فوراً خودتان، همسران، پسران و نزدیکانتان او را مورد تشویق قرار دهید. مطمئن باشید که فرزندان بتدریج به حجاب علاقه مند می شود.

می کند که توجه، دوستی و محبت شما را به دست آورد.

۳ - فرزندان را با الگوهای موفق، محبوب و دوست داشتنی از بین آشنایان و فامیل که از حجاب اسلامی برخوردارند آشنا سازید. بسیاری از تأثیر پذیرهای انسان به طور غیرمستقیم صورت می گیرد، لذا از نقش تقلید، همانند سازی و تأثیر گذاری الگوهای رفتاری غافل نباشید.

۴ - مواقعی که خودتان از حجاب کامل

بقیه از صفحه ۲۱

شد و فرمود: یا عثمان لم یسرلسنی الله بالرهبانیه ولكن بعثنی با الحنیفیه السهله السمحه: ای عثمان خداوند مرا به رهبانیت مبعوث نکرده است، بلکه به دین حنیف سهل و آسان مرا فرستاده است.

پاورقیها:

- ۱ - خلاف، صفحه ۲۰۳
- ۲ - کافی، جلد ۵ / ۴۹۴، وسایل، باب ۱ مقدمات نکاح، حدیث ۸، جواهر، جلد ۲۹ / ۲۶ / ۲۷، خلاف / ۲۰۳

که پیغمبرم شبها می خوابم و با زن هم بستر می شوم و روزها افطار می کنم. کسی که از سنت و خط مشی من اعراض نماید از امت من محسوب نمی شود." در این هنگام آن سه نفر به پا خواستند و گفتند: "یا رسول الله ما بر این تصمیم سوگند خورده ایم، چه کنیم؟" آیه نازل شد: "لا یؤاخذکم الله باللغو فی ایمانکم"، یعنی خداوند بر سوگندهای لغو، شما را مؤاخذه نمی کند.

این ماجرا به شکل دیگر نیز بازگو شده است: پیامبر وقتی ماجرا را شنید غضبناک



نقش معلم در استقلال فرهنگی، اقتصادی و سیاسی

حضرت امام بارها بیان فرموده اند که با توجه به نقش اساسی معلم در تربیت نسل جوان کشور این معلمان هستند که می توانند با تعلیم و تربیت سازنده خود، در آینده زمام امور کشور را به نسلی بسپارند که از لحاظ معیارهای اسلامی در حد قابل قبولی باشند:

"ملت عزیز ایران و سایر کشورهای مستضعف جهان اگر بخواهند از دامهای شیطنت آمیز قدرتهای بزرگ تا آخر نجات پیدا کنند، چاره ای جز اصلاح فرهنگ و استقلال ندارند و این میسر نیست جز بادیست اساتید و معلمان متعهدی که در دبستانها تا دانشگاهها راه یافته اند. به یقین بدانند که اسلام مکتبی است که انسانها را به گونه ای می سازد که بجز حق و مبداء حق به هیچ مکتبی تسلیم نشوند و تحت تأثیر هیچ قدرتی واقع نگردند و مصالح کشور خود را با هیچ انگیزه ای از دست ندهند و از استقلال و آزادی خویش و سایر بندگان خدا بی هیچ ترس و خوفی دفاع کنند."

پیام به مناسبت گشایش مراکز تربیت معلم